

بازرگانی داخلی

بررسی تحلیلی صادرات غیرنفتی؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی

مقدمه:

بخش از صادرات کشورها را تشکیل می‌دهند، در صورتی که صادرات بخش‌های اولیه دارای کمترین سهم می‌باشند (در کشورهای در حال توسعه ساختار فوق بگونه دیگری است). بنابراین بررسی صادرات کشورها، در رابطه با اقتصاد داخلی از یک سو، و تجارت جهانی — بویژه صادرات — اهمیت بسزائی دارد. با وجود این، بررسی جامع از وضعیت صادرات غیرنفتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی بویژه از دید آماری که هرف فوق را محقق سازد، کمتر به چشم می‌خورد. به همین منظور مقاله حاضر در صدد

مطالعات توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی، نشان داده است که در طول فرایند توسعه، نقش تجارت خارجی، بویژه صادرات، در حال ترقی است، این ترقی بگونه‌ای می‌باشد که سهم صادرات فرآورده‌های صنعتی (کارخانه‌ای) در حال افزایش است؛ بعبارت دیگر، رشد صادرات فرآورده‌های صنعتی نسبت به سایر کالاها بحدی است که صادرات فرآورده‌های صنعتی در مراحل نهائی توسعه، مهمترین

بررسی آمار و ارقام صادرات ایران نشان می‌دهد که با توجه به رشد سالانه ۸/۱ درصد صادرات جهانی (طی دوره ۱۹۷۸-۱۹۸۸) و رشد سالانه ۶/۸ درصد صادرات کشورهای در حال توسعه، صادرات ایران از رشد منفی برخوردار بوده است. از طرف دیگر، رشد (دلاری) ۶/۴ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی، در رابطه با رشد صادرات جهانی و کشورهای در حال توسعه، ضمن اینکه مؤید بهبود نسبی صادرات کالاهای غیرنفتی نسبت به کل صادرات کشور می‌باشد، کاهش سهم ایران در صادرات جهانی و حتی در صادرات کشورهای در حال توسعه را نیز نشان می‌دهد.

رهائی از درآمدهای تک محصولی نفت از یک سو، و تقلیل درآمدهای ارزی ناشی از نوسانات صدور نفت از سوی دیگر، مساله توسعه صادرات غیرنفتی در سیاست‌های اقتصادی کشور اهمیت ویژه‌ای یافت، بگونه‌ای که توسعه صادرات بعنوان یکی از استراتژیهای تجاری برنامه پنجساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ۱۳۶۸-۱۳۷۲ مورد توجه قرار گرفته است. ملاحظه ارقام جدول (۱) نشان می‌دهد که صادرات کالاهای غیرنفتی طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۸ از ۳۸/۱۹ میلیارد ریال به ۷۸/۵۰ میلیارد ریال (سالانه بطور متوسط، ۶/۸ درصد رشد داشته) بالغ گردیده است. با این وجود، صادرات غیرنفتی طی دوره فوق‌الذکر، از نوسان زیادی برخوردار بوده است. بطوری که در سال ۱۳۶۰، بیشترین میزان کاهش (یعنی ۴۱/۲٪-) و در سال ۱۳۶۵ به بالاترین نرخ رشد خود نسبت به سال قبل (۳/۶۴ درصد) رسیده است. بعد از سال ۱۳۶۵، صادرات کالاهای غیرنفتی در سال ۱۳۶۲ از بیشترین رشد ریالی

آن است تا تصویری روشن از صادرات کالاهای غیرنفتی، بویژه برای محققین و دست‌اندرکاران صادرات کالاهای غیرنفتی، در قالب سؤالات اساسی ذیل ارائه دهد:

— صادرات غیرنفتی کشور در تولید ناخالص داخلی (کالائی و غیرکالائی) طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۷ از چه جایگاهی برخوردار است؟

— جایگاه صادرات و صادرات غیرنفتی ایران در صادرات جهانی چگونه است؟

— هریک از بخشهای اقتصادی در صادرات غیرنفتی از چه سهمی برخوردار می‌باشند؟

— درجه تمرکز یا تنوع کالائی صادرات غیرنفتی در طول دوره فوق چگونه بوده است؟

— کالاهای غیرنفتی ایران عمدتاً به چه کشورهایی صادر شده است؟ ...

صادرات غیرنفتی و تولید ناخالص داخلی

با پیروزی انقلاب اسلامی و هدف

برخوردار بوده است (۵۳/۶ درصد). اما آیا رشد سالانه ۶/۸ درصد، می‌تواند به تنهایی به معنی بهبود نسبی صادرات غیرنفتی نسبت به اقتصاد کشور باشد؟ جهت پاسخ به این سؤال، ملزم به بررسی روند تولید ناخالص داخلی و یا مذاقه در درصد سهم صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی هستیم^۱.

تولید ناخالص داخلی طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۸، از ۵۳۵۴/۴ میلیارد ریال به ۲۴۲۸۹/۵ میلیارد ریال (سالانه بطور متوسط ۱۴/۷ درصد رشد) افزایش یافته است. ملاحظه نرخ رشد تک تک سالها، رشد مثبت پیوسته‌ای را نشان می‌دهد که در سال ۱۳۵۹ دارای کمترین رشد (یعنی ۶/۶ درصد) و در سال ۱۳۶۲ با بیشترین میزان رشد (۲۹/۲ درصد) مواجه بوده است. به بیان دیگر، ملاحظه ارقام درصد سهم صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی، نشان می‌دهد که این سهم از ۰/۷۱ درصد در سال ۱۳۵۷، به ۰/۳۲ درصد در سال ۱۳۶۸ کاهش یافته است. بنابراین، علی‌رغم رشد ۶/۸ درصد (در سال) صادرات غیرنفتی، نمی‌توان (با توجه به رشد متوسط ۱۴/۷ درصد تولید ناخالص داخلی) ادعا نمود که وضع

نسبی صادرات غیرنفتی نسبت به اقتصاد کشور بهبود یافته است؛ زیرا از یک سو، رشد ریالی تولید ناخالص داخلی بیش از رشد ریالی صادرات غیرنفتی بوده، و از سوی دیگر سهم صادرات غیرنفتی طی دوره موردنظر، اُفت کرده است. با توجه به بررسیهای فوق، آیا می‌توان مدعی بهبود صادرات سرانه غیرنفتی شد؟ برای پاسخ به این سؤال بایستی صادرات غیرنفتی سرانه را بررسی نمود.

بررسی صادرات غیرنفتی سرانه نشان می‌دهد که این رقم، از ۱۰۷۱/۵ ریال در سال ۱۳۵۷ به ۱۴۴۰/۴ ریال در سال ۱۳۶۸ رسیده است. برغم این افزایش، رقم مربوط به سال ۱۳۵۸، علی‌رغم گذشت ده سال، بیش از رقم مشابه در سال ۱۳۶۸ می‌باشد. که با وجود ناچیز بودن صادرات سرانه، از نوسان زیادی نیز برخوردار بوده است (۱۵۵۸/۳ ریال در سال ۱۳۵۸ بیشترین میزان در مقابل ۶۶۷/۸ ریال در سال ۱۳۶۱ در دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۸). با توجه به تحلیل فوق و حصول این نتیجه، که صادرات غیرنفتی ریالی در مجموع در مقایسه با تولید ناخالص ملی بهبود نسبی نیافته، آیا می‌توان

(۱). لازم به توضیح است، از آنجا که صادرات غیرنفتی و بخشی از تولید ناخالص داخلی (نفت)، از ارقام «دلاری» به «ریالی» تبدیل شده ($S1 = 70R$)، و با توجه به این مطلب که سیستم چند نرخ ارز در اقتصاد کشور وجود دارد، یافتن شاخص دقیق برای مقایسه سهم صادرات غیرنفتی در تولید ناخالص داخلی، کاری است پیچیده، و خود موضوع دیگری است که از حوصله این مقاله خارج است. بدین دلیل، شاخص نسبت صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی، براساس ارقام جدول (۱) تا حدودی برخی ارقام را دچار کوچک نمایی کرده و شاخص بدست آمده از دقت چندانی برخوردار نیست.



امید بهبود نسبی برای این بخش قائل شد؟ عبارت دیگر، آیا توانائی بالقوه، با توجه به ارقام و آمار، برای گسترش بیشتر صادرات غیرنفتی، وجود دارد؟ در این رابطه، بررسی تولید ناخالص داخلی کالائی غیرنفتی مفید به نظر می‌رسد.

با تأمل در اجزاء صادرات غیرنفتی می‌توان دریافت که صادرات کالاهای غیرنفتی از بخش تولید ناخالص داخلی کالائی بدون نفت تأمین می‌شود. زیرا ارقام فوق فاقد صادرات خدمات می‌باشند. البته صادرات خدمات کشور ناچیز است که براساس جداول داده - ستانده سال ۱۳۶۳، ۱٪ کل صادرات محاسبه شده است (که آنهم عمدتاً خدماتی چون حمل و نقل، اداره عمومی و... بوده و منظورکردن آن بعنوان صدور خدمت در استان صدور کالا، خالی از اشکال نیست!)، بنابراین صادرات کالاهای کشور به تولیدات کالائی مربوط می‌شود. از سوی دیگر، موضوع مورد بررسی، صادرات کالاهای غیرنفتی می‌باشد، علاوه، از آنجائی که قسمت عمده تولیدات بخش نفت، بصورت خام صادر می‌شود^۲، بنابراین تولید ناخالص داخلی کالائی بدون نفت، صادرات کالاهای غیرنفتی را تأمین می‌کند.

با بررسی ارقام جدول (۱) مربوط به تولید ناخالص داخلی کالائی بدون نفت، در می‌یابیم که این تولیدات، سهم زیادی در کل تولید ناخالص داخلی نداشته‌اند؛ یعنی، در سال ۱۳۵۷ حدود ۲۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده‌اند، که البته در طول دوره فوق، سهم آن (با نوسانات جزئی) افزایش و به ۳۷/۲ درصد در سال ۱۳۶۸ رسیده است. (بالاترین نسبت را در سال ۱۳۶۶، با ۳۷/۹ درصد، دارا بوده است). ارقام مذکور، ضمن اینکه حاکی از بهبود تولیدات کالائی در تولید ناخالص داخلی می‌باشد مؤید این مطلب است که بخش اعظم تولید ناخالص داخلی در صادرات کالاهای غیرنفتی دخالت ندارد. حال چنانچه روند گذشته ادامه یابد، عبارت دیگر، تحول اساسی در اقتصاد کشور صورت نپذیرد، طبیعی است که نمی‌توان به افزایش چشمگیر صادرات غیرنفتی دست یافت، ولی چنانچه تحول بنیانی صورت پذیرد و اقدامات اساسی در جهت صدور خدمات و صدور مصنوعات نفتی انجام شود می‌توان، ضمن جلوگیری از صدور مواد خام (بویژه نفت) به اهداف صادراتی و رهائی از درآمدهای ارزی تک محصولی دست یافت،

(۱). ارقام به نقل از: وزارت برنامه و بودجه، جداول داده - ستانده اقتصاد ایران سال ۱۳۶۳ (تهران:

وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۸)، ص ۳۵.

(۲). با توجه به جداول داده - ستانده اقتصاد کشور در سال ۱۳۶۳، از کل تولیدات نفت خام و گاز طبیعی، قسمت اعظم آن بصورت خام صادر شده، و تنها بخش ناچیزی به مصرف داخلی رسیده است، ر. ک: همان،

ص ص ۵۱ - ۶۴.

جدول (۱): جمعیت، تولید ناخالص داخلی، صادرات غیرنفتی و صادرات غیرنفتی سرانه طی سالهای

۱۳۵۷-۱۳۶۸

سال	جمعیت (میلیون نفر)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد ریال - سه قیمت جاری)	صادرات غیرنفتی (میلیارد ریال)	صادرات غیرنفتی سرانه (ریال)	سهم صادرات غیرنفتی از تولید ناخالص داخلی (درصد)	سهم تولید ناخالص غیر نفتی بدون نفت به تولید ناخالص داخلی (درصد)
۱۳۵۷	۳۵/۶۴	۵۳۵۴/۴	۳۸/۱۹	۱۰۷۱/۵	۰/۷۱	۲۳/۸
۱۳۵۸	۳۶/۶۵	۶۳۳۷/۸	۵۷/۱۱	۱۵۵۸/۳	۰/۹۰	۲۳/۹
۱۳۵۹	۳۸/۳۵	۶۷۵۸/۹	۴۵/۹۵	۱۱۹۸/۲	۰/۶۸	۳۰/۸
۱۳۶۰	۳۹/۵۴	۸۲۱۸/۵	۲۷/۰۳	۶۸۳/۶	۰/۳۳	۳۴/۰
۱۳۶۱	۴۰/۷۸	۱۰۶۲۱/۵	۲۷/۰۷	۶۶۳/۸	۰/۲۵	۳۳/۳
۱۳۶۲	۴۲/۰۷	۱۳۵۸۱/۱	۴۱/۵۷	۹۸۸/۱	۰/۳۱	۳۴/۹
۱۳۶۳	۴۳/۴۱	۱۴۶۰۰/۷	۳۲/۸۰	۷۵۵/۶	۰/۲۳	۳۶/۷
۱۳۶۴	۴۷/۸۶	۱۵۹۴۸/۲	۴۱/۱۸	۸۶۰/۴	۰/۲۶	۳۴/۸
۱۳۶۵	۴۹/۲۴	۱۷۵۱۲/۶	۶۷/۶۷	۱۳۶۸/۷	۰/۳۹	۳۶/۹
۱۳۶۶	۵۱/۱	۲۰۶۰۵/۴	۷۷/۶۵	۱۵۱۹/۶	۰/۳۸	۳۷/۹
۱۳۶۷	۵۲/۸	۲۲۵۰۳/۳	۶۷/۱۳	۱۲۷۱/۴	۰/۳۰	۳۶/۹
۱۳۶۸	۵۴/۵	۲۴۲۸۹/۵	۷۸/۵۰	۱۴۴۰/۴	۰/۳۲	۳۷/۲
درصد رشد متوسط	۳/۹	۱۴/۷	۶/۸	۲/۷	-	-

مأخذ:

۱- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای مختلف (تهران: مرکز آمار، سالهای مختلف).
برای سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۳.

۲- سازمان برنامه و بودجه، گزارش اقتصادی سالهای مختلف (تهران: سازمان برنامه و بودجه، سالهای مختلف). برای سالهای ۱۳۶۴-۱۳۶۸.

۳- تولید ناخالص داخلی ۱- بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف (تهران: بانک مرکزی، سالهای مختلف). برای سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۶.

۴- سازمان برنامه و بودجه، پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲) (تهران: سازمان برنامه و بودجه - ۱۳۶۹)، ص ۲-۱۲. برای سالهای ۱۳۶۷-۱۳۶۸.

علی‌رغم اینکه صادرات کالاهای غیرنفتی از رشد (ریالی) سالانه ۶/۸ درصد در مقابل رشد ریالی سالانه ۱۴/۷ درصد تولید ناخالص داخلی، برخوردار بوده، اما نتوانسته است اهمیت نسبی خود را حفظ کند.

۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ دارای رشد افزایشی بوده اما پس از آن، تا سال ۱۹۸۳ رشد منفی مستمر داشته و سپس رشد مثبت خود را بازیافته است. از طرف دیگر، ملاحظه صادرات کشورهای در حال توسعه نیز نشان می‌دهد که از رشد مثبت و معادل ۶/۸ درصد در سال برخوردار بوده که، البته، صادرات این کشورها نسبت به صادرات جهان از بی‌ثباتی بیشتری برخوردار بوده است زیرا، ضمن اینکه دوره رشد منفی آن طولانی‌تر شده، با بیشترین نرخ رشد منفی (حدود ۱۰٪-) و مثبت (۳۸/۴ درصد) مواجه بوده است در حالی که صادرات کل جهان با رشد ۷/۱- درصد در سال ۱۹۸۲ و ۲۰/۳ درصد در سال ۱۹۸۰ بترتیب کمترین و بیشترین میزان رشد صادرات را داشته است. بهرحال با توجه به رشد کلی مثبت صادرات جهانی و صادرات کشورهای در حال توسعه، صادرات ایران دارای چه جایگاه و اهمیتی بوده است؟ بررسی آمار صادرات ایران طی دوره مورد بحث، نشان می‌دهد که علی‌رغم رشد

که البته این امر مستلزم تلاشهای زیاد و حساب شده می‌باشد. بهر صورت، حال که وضعیت کلان صادرات کالاهای غیرنفتی در رابطه با اقتصاد داخلی بررسی شد، بایستی به تحلیل صادرات کشور در رابطه با صادرات جهان و کشورهای مشابه بویژه کشورهای در حال توسعه پرداخت که این مساله، موضوع مبحث بعدی می‌باشد.

صادرات غیرنفتی و صادرات جهانی

امروزه نقش تجارت بین‌الملل در اقتصاد جهانی بیشتر شده و مدام براهیمت آن افزوده می‌شود و کلاً سهم تجارت (بویژه تجارت خارجی) در فرایند توسعه در حال افزایش است. همانطوری که آمار و ارقام جدول (۲) نشان می‌دهد، صادرات جهان طی دوره ۱۹۷۹-۱۹۸۸، بطور متوسط ۸/۱ درصد در سال رشد داشته که البته دوره مذکور، دارای افت و خیزهایی بوده است؛ یعنی، از سال

▷ - صادرات غیرنفتی: ۱- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای مختلف (تهران: مرکز آمار ایران، سالهای

مختلف). برای سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۰.

۲- گمرک ایران، جداول آمار مقدماتی صادرات - واردات سالهای مختلف تهران:

گمرک ایران، سالهای مختلف (برای سالهای ۱۳۶۱-۱۳۶۸).

مثبت صادرات جهانی و کشورهای در حال توسعه، صادرات کشور رشد منفی، حدود ۷/۶ درصد در سال داشته که ابتدا تا سال ۱۹۸۲ کاهش یافته و سپس در سالهای ۱۹۸۲-۸۳ افزایش، و مجدداً در سال ۱۹۸۴ کاهش یافته است. در سال ۱۹۸۵ با افزایش ناچیز، به سیر نزولی خود در ۱۹۸۶ ادامه داده، که در سال ۱۹۸۷ مجدداً ترقی کرده است ولی بهرحال با میزان صادرات سال ۱۹۷۸ فاصله زیادی دارد. بنابراین به نظر می‌رسد صادرات کشور دارای بی‌ثباتی زیادی بوده است در این رابطه رشد منفی و مثبت زیاد، ۳۷/۶- درصد سال ۱۹۸۶ و ۸۱/۵ درصد سال ۱۹۸۲، بهترین شاخص در این رابطه می‌باشد. لهذا اهمیت صادرات کشور در صادرات جهانی و کشورهای در حال توسعه تنزل یافته است. این مساله از سهم صادرات کشور نسبت به صادرات جهانی و صادرات کشورهای در حال توسعه و همچنین از نمودار (۱)، بخوبی قابل مشاهده می‌باشد؛ یعنی، طی دوره ۱۹۷۸-۸۸ سهم صادرات ایران، از کل صادرات جهان، از ۱/۸۲ درصد (که آنهم مربوط به سال ۱۹۷۸ می‌باشد) بیشتر نشده ضمن اینکه این رقم در سال ۱۹۸۷ به ۰/۴۷ درصد کاهش یافته است. کمترین سهم از صادرات جهان، به سال ۱۹۸۶ اختصاص داشته (۰/۴۲ درصد)، که در نمودار (۱) - منحنی روند سهم صادرات کشور به صادرات جهان در سال مذکور به حداقل خود رسیده - نشان داده شده است. از طرف

دیگر، در نمودار روند سهم مزبور نیز تقلیل سهم صادرات ایران در صادرات کشورهای در حال توسعه نشان داده شده که در سال ۱۹۷۸ دارای بیشترین سهم (۵/۹۸ درصد) و در سالهای ۱۹۸۱ و ۱۹۸۶ دارای کمترین سهم بوده است. منحنی (۲) از نمودار (۱)، نیز این مطلب را بخوبی نشان می‌دهد که ضمن کاهش شدید این سهم از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱، مجدداً سهم مذکور از سال ۱۹۸۱ تا سال ۱۹۸۳ روند صعودی، و پس از آن روند نزولی داشته است. بهرحال، علی‌رغم تنزل صادرات کشور و کاهش سهم آن در صادرات جهان، نمی‌توان این مساله را به تمام کالاهای صادراتی کشور تعمیم داد. بررسی صادرات غیرنفتی در رابطه با صادرات جهانی و کشورهای در حال توسعه روشنگر این مطلب است.

ارقام صادرات غیرنفتی در مجموع دارای روند رشد مثبت بوده که سالانه بطور متوسط ۶/۷ درصد افزایش یافته است. علی‌رغم رشد مثبت فوق، در سالهای ۱۹۷۹، ۱۹۸۰، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۲ با رشد منفی مواجه بوده که بیشترین کاهش در سال ۱۹۸۱ (۴۷٪ - درصد) و بیشترین نرخ رشد در سال ۱۹۸۶ (معادل ۹۷ درصد) انجام گرفته. لذا به نظر می‌رسد صادرات غیرنفتی نیز با نوسانات زیادی همراه بوده است. مقایسه صادرات غیرنفتی با صادرات جهان و صادرات کشورهای در حال توسعه، نشان می‌دهد که علی‌رغم ۶/۷ درصد رشد مثبت، و با توجه به تلاشهای زیادی در زمینه صدور

جدول (۲): صادرات جهان، کشورهای در حال توسعه و ایران در سالهای ۱۹۷۸-۱۹۸۸

واحد: میلیارد دلار

سال	صادرات جهان	ایران		درصد سهم صادرات ایران از		درصد سهم صادرات غیرنفتی از
		کل صادرات	صادرات غیرنفتی	کل	غیرنفتی	
۱۹۷۸	۱۲۳۵/۵	۲۲/۴۷۶	۰/۵۴۳	۱/۸۲	۵/۹۸	۰/۱۵
۱۹۷۹	۱۵۷۶/۷	۱۹/۸۰۷	۰/۸۱۲	۱/۲۶	۳/۸۱	۰/۱۶
۱۹۸۰	۱۸۹۷/۵	۱۳/۲۳۵	۰/۶۴۵	۰/۷۰	۲/۰۳	۰/۰۳۴
۱۹۸۱	۱۸۶۵/۱	۱۰/۲۳۴	۰/۳۳۹	۰/۵۵	۱/۶۰	۰/۰۱۸
۱۹۸۲	۱۷۳۳/۵	۱۸/۵۷۰	۰/۲۸۴	۱/۰۷	۳/۲۳	۰/۰۱۶
۱۹۸۳	۱۶۸۱/۹	۱۹/۳۷۸	۰/۳۸۷	۱/۱۵	۳/۶۰	۰/۰۲۱
۱۹۸۴	۱۷۸۳/۵	۱۲/۴۲۲	۰/۳۶۱	۰/۷۰	۲/۳۶	۰/۰۲۰
۱۹۸۵	۱۸۰۸/۱	۱۳/۳۲۸	۰/۴۶۵	۰/۷۲	۲/۴۴	۰/۰۲۶
۱۹۸۶	۱۹۹۰/۶	۸/۳۲۲	۰/۹۱۵	۰/۴۲	۱/۶۱	۰/۰۴۶
۱۹۸۷	۲۳۲۲/۱	۱۱/۰۰۰	۱/۱۶۱	۰/۴۷	۱/۷۷	۰/۰۵۰
۱۹۸۸	۲۶۹۴/۱	۷۲۴/۷۷۳	۰/۰۰۰	۱/۰۳۶	۰/۰۰	۰/۰۳۸
درصد متوسط	۸/۱	۶/۸	-۷/۶	۶/۷	-	-

ه: برای تبدیل سالهای هجری شمسی به میلادی، ۱۳۵۷ معادل ۱۹۷۸ در نظر گرفته شده است.

مأخذ: صادرات غیر نفتی از: بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترانزنامه سالهای مختلف (تهران: بانک مرکزی، سالهای مختلف).

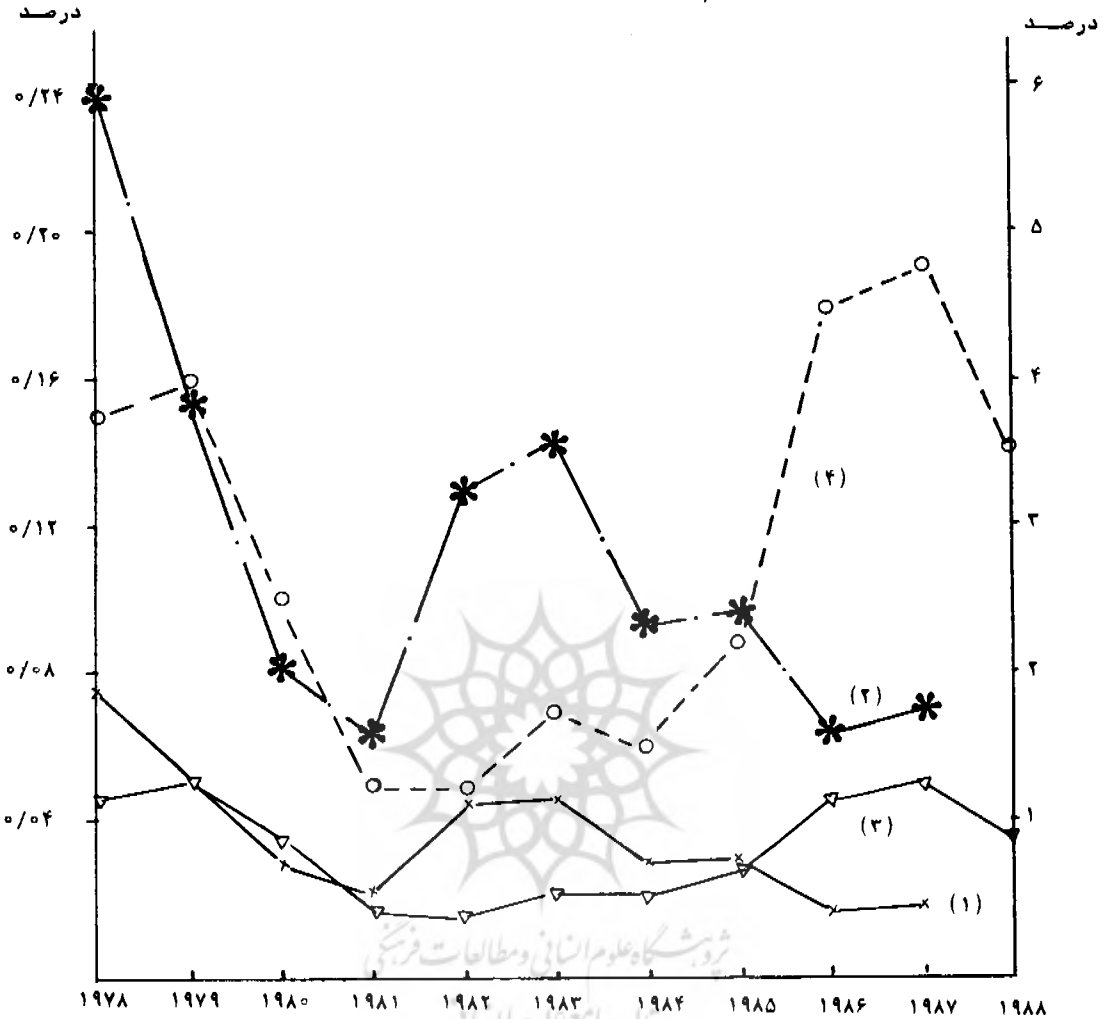
— صادرات جهان و کشورهای در حال توسعه و ایران به نقل از:

Yearbook of International Financial Statistics 1989 (Washington: International Monetary Fund, 1989).

— صادرات ایران برای سال ۱۹۸۷ به نقل از:

UNCTAD Commodity Yearbook 1989 (New York: United Nations, 1989), P.4.

نمودار (۱): روند سهم صادرات کل و صادرات غیرنفتی در صادرات جهانی



مأخذ: جدول (۲)

توضیح:

x : درصد سهم صادرات کل از صادرات جهان

(۱). مقیاس محور عمودی سمت راست : * : درصد سهم صادرات کل از صادرات کشورهای در حال توسعه

△ : درصد سهم صادرات غیرنفتی از صادرات جهان

(۲). مقیاس محور عمودی سمت چپ :

○ : درصد سهم صادرات غیرنفتی از صادرات کشورهای در حال توسعه

(۳) محوره‌های عمودی، با مقیاس‌های متفاوت می‌باشند.

طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۸، کشورهای صنعتی سرمایه داری، ضمن اینکه بیشترین سهم و در عین حال، بیشترین رشد سالانه به مقصد کشورها را بخود اختصاص داده اند، دامنه نوسان رشد صادرات به این کشورها، بیش از کشورهای دارای برنامه ریزی متمرکز و کشورهای در حال توسعه بوده است.

وضعیت بهتری برخوردار بوده، و از سوی دیگر، نتوانسته است همپای صادرات جهان و حتی صادرات کشورهای در حال توسعه، رشد کند که این حرکت مؤید روندی برخلاف توسعه اقتصادی می باشد. بنابراین، چنانچه بهبود وضع اقتصادی کشور مد نظر باشد که پایه پای اقتصاد جهانی رشد کند، رشد بخشهای اقتصادی کشور (بویژه صادرات غیرنفتی) بایستی بگونه ای باشد که فاصله وضعیت موجود اقتصاد با وضعیت مطلوب را کاهش دهد. در صورتی که روند دوره ۱۹۷۸-۸۸ ادامه یابد، فاصله مزبور گسترش یافته و لذا نقش کشور در صادرات جهانی و بطور کلی تجارت بین الملل ضعیف تر خواهد شد.

حال که وضعیت صادرات بویژه صادرات کالاهای غیرنفتی در رابطه با حسابهای کلان کشور و صادرات جهانی بررسی شد بایستی دید طی دوره ۱۳۵۷-۶۷، صادرات غیرنفتی در درون بخشها از چه وضعیتی برخوردار بوده است که این خود موضوع مبحث بعدی می باشد.

کالاهای غیرنفتی، هنوز نتوانسته است همپای صادرات جهان و حتی صادرات کشورهای در حال توسعه رشد پیدا کند، زیرا علاوه بر نرخ رشد کمتر، $6/7$ درصد در مقابل $6/8$ و $8/1$ درصد سهم صادرات غیرنفتی از صادرات جهان و صادرات کشورهای در حال توسعه کاهش یافته است؛ یعنی، سهم صادرات غیرنفتی از کل صادرات جهانی از $0/044$ درصد در سال ۱۹۷۸ به $0/038$ درصد در سال ۱۹۸۸ تنزل یافته که البته کمترین میزان در سال ۱۹۸۲ $0/016$ درصد) بوده است (منحنی (۳) از نمودار (۱)). از طرف دیگر، سهم صادرات غیرنفتی از صادرات کشورهای در حال توسعه نیز از $0/15$ درصد در سال ۱۹۷۸ به $0/14$ درصد در سال ۱۹۸۸ تنزل یافته که در سال ۱۹۸۲ (سالی که صادرات غیرنفتی در کمترین میزان طی دوره مورد بررسی رسیده است) با کمترین سهم $0/05$ درصد) همراه بوده است (منحنی (۴) نمودار (۱)). ضمن اینکه پس از آن، سهم مزبور دارای رشد بوده است.

بهر حال از مقایسه ارقام فوق می توان دریافت که از یک سو، صادرات کالاهای غیرنفتی کشور نسبت به کل صادرات از

صادرات غیرنفتی و بخشهای اقتصادی

مطالعات توسعه اقتصادی نشان می‌دهد که در این فرایند سهم بخشهای مختلف اقتصادی در صادرات متحول می‌شود، بگونه‌ای که سهم تولیدات صنعتی (فرآورده‌های کارخانه‌ای) در صادرات افزایش و سهم بخشهای اولیه (از قبیل کشاورزی) و تولیدات مواد خام کاهش می‌یابد؛ برای نمونه، در سال ۱۹۸۱، سهم فرآورده‌های صنعتی در کل صادرات کالاها در جهان ۵۸/۵ درصد بوده که این رقم برای کشورهای پیشرفته با اقتصاد بازار آزاد ۷۲/۳ درصد برای کشورهای با اقتصاد برنامه‌ای متمرکز ۵۱/۵ درصد و بالاخره برای کشورهای در حال توسعه ۱۶/۶ درصد بوده است.^۱ این ارقام بخوبی مطالعات فوق را تصدیق می‌کند. با این چارچوب نظری، آیا می‌توان گفت که صادرات کالاها صنعتی کشور طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۷ نسبت به سایر کالاها صادراتی ترقی بیشتری کرده؟ و بنابراین براساس این شاخص، آیا اقتصاد کشور در جهت توسعه و یا مخالف آن متحول شده است؟ با بررسی ارقام صادرات کالاها غیرنفتی در بخشهای مختلف اقتصاد، می‌توان موضوع را روشن نمود. بطور کلی طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۷، صادرات کالاها غیرنفتی از رشد مثبتی

(۶/۷ درصد در سال) برخوردار بوده است؛ بطوری که صادرات مذکور از ۵۴۲/۸ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷، به ۱۰۳۵/۸ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته است. طی دوره مزبور، صادرات غیرنفتی با نوساناتی همراه بوده بنحوی که طی سالهای ۱۳۵۹، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷ دارای رشد منفی (به ترتیب ۲۰/۶-، ۶۲/۹- و ۱۰/۸- درصد) گردیده که بیشترین تنزل در سال ۱۳۶۰ بوده است. ضمن اینکه در سال ۱۳۶۵ از بیشترین نرخ رشد (حدود ۹۷ درصد) برخوردار بوده است. بهرحال، در یک تقسیم‌بندی اولیه، می‌توان صادرات غیرنفتی را در قالب بخشهای سنتی، کشاورزی، معدنی و صنعتی بررسی نمود. در سال ۱۳۵۷، بخش کشاورزی بیشترین سهم را بخود اختصاص داده است، یعنی، از ۵۴۲/۸ میلیون دلار صادرات کالای غیرنفتی، ۲۸۵ میلیون دلار تنها از محصولات کشاورزی بوده (۵۲/۴ درصد)، که در این میان سهم کالاها صنعتی در مقام دوم (۱۶۳ میلیون دلار یا ۳۰ درصد) قرار گرفته است. طی سال مذکور سهم صادرات کالای سنتی (فرش) ۱۵/۵ درصد و سهم کالاها معدنی تنها ۲ درصد بوده است. در طول دوره مورد بررسی، ترکیب فوق متحول شده، بطوری که در سال ۱۳۶۷ از مجموع ۱۰۳۵/۸ میلیون دلار صادرات کالاها غیرنفتی، ۶۱۱/۵ میلیون دلار آن کالاها

۱. ارقام به نقل از: یونیدو، صنعت در جهان متغیر، ترجمه غلامرضا نصیرزاده (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵).



کشاورزی (۶/۴۴ درصد)، ۳۰۸/۸ میلیون دلار آن کاهالای سنتی (۸/۲۹ درصد)، ۲۳۲/۷ میلیون دلار کالاهای صنعتی (۴/۲۲ درصد) و ۳۲/۸ میلیون دلار مواد معدنی بوده است. بنابراین ملاحظه می‌شود که کالاهای کشاورزی همچنان دارای بیشترین سهم بوده ضمن اینکه کالاهای سنتی و صنعتی بعد از کالاهای کشاورزی، به ترتیب بیشترین سهم را بخود اختصاص داده‌اند. از طرف دیگر، ملاحظه رشد متوسط سالانه کالاهای فوق، نشان می‌دهد که کالاهای سنتی دارای بیشترین نرخ متوسط رشد بوده (۹/۱۳ درصد در سال)، و بالاترین رشد متوسط در سال پس از کالاهای سنتی، به صادرات کلوخه‌های کانی فلزی اختصاص داشته (۷/۱۱ درصد). ضمن اینکه برخلاف این روند، رشد صادرات صنعتی از سایر کالاها کمتر و معادل ۶/۳ درصد بوده است. البته در طول دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۷، هر گروه از کالاهای فوق دارای نرخهای رشد متفاوتی بوده‌اند؛ بطوری که کالاهای سنتی رشد چشمگیری داشته‌اند (از ۹/۸۳ میلیون به ۱/۲۵ میلیون دلار رسیده است) ولی با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بشدت کاهش یافته بنحوی که در سال ۱۳۶۰ به ۴/۱۴۹ میلیون رسیده (حدود ۶۵ درصد کاهش) که این کاهش در سال بعد نیز ادامه داشته، ولی از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۰ پیوسته رشد مثبت داشته است. کالاهای کشاورزی نیز بجز سالهای ۱۳۵۹، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷، رشد مثبتی داشته و به نظر

می‌رسد صادرات آنها از ثبات نسبی بیشتری برخوردار بوده است. صادرات کلوخه‌های کانی فلزی - علی‌رغم سهم ناچیز آن - از بی‌ثباتی زیادی برخوردار بوده بطوری که در سال ۱۳۶۰ نسبت به سال ۱۳۵۹، از ۵/۱۹ میلیون دلار به ۵ میلیون دلار (۷۵ درصد کاهش)، در مقابل افزایش ۸۹ درصد آن در سال ۱۳۵۸ نسبت به ۱۳۵۷، کاهش یافته است. با این وجود، صادرات این گونه کالاها در سال ۱۳۶۳ به بالاترین میزان خود (۸/۳۸ میلیون دلار) رسیده و توانسته است بیش از ۱۰ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی را به خود اختصاص دهد. در طول دوره مورد بررسی صادرات کالاهای صنعتی بیشترین سهم را در سال ۱۳۵۷ (۳۰ درصد) داشته که بعد از سال ۱۳۶۷ (۷/۲۳۲ میلیون دلار)، بیشترین میزان صادرات کالاهای صنعتی در این سال بوده است. این کالاها، برخلاف سایر کالاهای صادراتی، تنها کالاهائی را شامل می‌شدند که در سال ۱۳۶۷ دارای رشد مثبت بوده و پس از رشد سال ۱۳۶۴ نسبت به ۱۳۶۳ (۱۳۷ درصد)، در این سال بیشترین رشد را نیز دارا بوده‌اند؛ یعنی، از ۸/۱۳۱ میلیون دلار در سال ۱۳۶۶ به ۷/۲۳۲ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ رسیده است. اما در مجموع نه تنها نتوانسته بیشترین سهم صادرات کالاهای غیرنفتی را بدست آورد، بلکه، سهم آن نسبت به سال پایه نیز کاهش یافته است. بهرحال بررسی فوق تحلیل کالاهای صادراتی غیرنفتی در قالب چهار گروه کالا می‌باشد که هر گروه نیز

جدول (۳): ارزش صادرات غیرنفتی طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۷

واحد: میلیون دلار

۱۳۵۹		۱۳۵۸		۱۳۵۷		سال	شرح
مهم	ارزش	مهم	ارزش	مهم	ارزش		
۶۵/۹	۴۲۵/۱	۵۰/۲	۴۰۸/۹	۱۵/۵	۸۳/۹		(۱) کالاهای سبزی (قرش)
۲۷/۴	۱۷۶/۶	۳۸/۸	۳۱۵/۹	۵۲/۴	۲۸۵		(۲) کالاهای کشاورزی
۰/۸	۵/۳	۹/۵	۷۷/۰	۱۹	۱۰۳/۰		۱ پنبه
۹/۶	۶۱/۹	۱۴/۱	۱۱۴/۷	۱۳/۸	۷۴/۹		۲ میوه‌های تازه و خشک
۷/۷	۴۹/۵	۶/۱	۴۹/۳	۷/۲	۳۹/۲		۳ انواع پوست و جرم
۲/۳	۱۵/۳	۱/۳	۱۱/۰	۱/۳	۷/۰		۴ خاویار
۳/۷	۲۴/۱	۱/۹	۱۵/۷	۲/۰	۱۱/۱		۵ روده
۰/۱	۰/۴	۰/۳	۲/۹	۰/۶	۳/۴		۶ کنسرو
۰/۱	۱/۶	۰/۵	۴/۳	۱/۴	۷/۶		۷ زسره
۲/۹	۱۸/۵	۵/۱	۴۱/۰	۷/۱	۳۸/۸		۸ سایر
۳/۰	۱۹/۵	۲/۵	۲۰/۶	۲/۰	۱۰/۹		(۳) کلوخه‌های کانی فلزی
۳/۷	۲۴/۰	۸/۲	۶۶/۴	۳۰/۰	۱۶۳/۰		(۴) کالاهای صنعتی
۰	۰	۰/۱	۰/۹	۱/۷	۹/۱		۱ بودرلماستوسی و ماسون
۰	۰/۲	۰/۵	۳/۸	۸/۲	۴۴/۵		۲ مواد نیمه‌کیمیایی غیرآلی
۰/۴	۲/۸	۰/۶	۴/۶	۰/۷	۳/۸		۳ کفش
۰/۴	۲/۷	۰/۳	۲/۵	۱/۴	۷/۷		۴ بیسکویت و انواع شیرینی
۱/۶	۱۰/۵	۱/۴	۱۱/۷	۳/۷	۲۰/۱		۵ پلیوس آماده، تریکوا و انواع پارچه
"	۰/۱	"	۰/۲	۰/۱	۰/۷		۶ سیمان، سنگ، مصالح ساختمانی و موزائیک
۰/۱	۰/۳	۰/۳	۲/۵	۱/۷	۹/۵		۷ وسایل نقلیه
	-		-		-		۸ ستن مس، ورق و مقبول آن
۱/۲	۷/۴	۴/۹	۴۰/۲	۱۲/۵	۶۷/۶		۹ سایر
۱۰۰	۶۴۵/۲	۱۰۰	۸۱۱/۸	۱۰۰	۵۴۲/۸		جمع کل



۱۳۶۳		۱۳۶۲		۱۳۶۱		۱۳۶۰	
م	ارزش	م	ارزش	م	ارزش	م	ارزش
۲۴/۹	۸۹/۸	۲۵/۰	۸۸/۹	۲۳/۶	۶۷/۰	۴۴/۰	۱۴۹/۴
۵۶/۸	۲۰۵/۲	۶۴/۲	۲۲۹/۲	۶۶/۴	۱۸۸/۳	۵۰/۶	۱۷۱/۹
۰	"	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۲۳/۱	۷۹/۸	۳۵/۲	۱۲۵/۵	۲۲/۸	۷۸/۸	۱۷/۲	۵۸/۴
۱۳/۵	۴۸/۷	۹/۷	۳۴/۶	۱۴/۳	۴۰/۶	۱۵/۷	۵۳/۴
۶/۱	۲۱/۹	۵/۳	۱۹/۰	۶/۷	۱۸/۹	۴/۵	۱۵/۳
۳/۱	۱۱/۴	۳/۸	۱۳/۶	۶/۲	۱۷/۶	۶/۰	۲۰/۳
۰/۹	۳/۱	۰/۸	۲/۸	۰/۸	۲/۳	۰/۳	۱/۱
۰/۳	۱/۲	۱/۰	۳/۶	۱/۵	۴/۳	۰/۱	۰/۴
۱۰/۸	۳۹/۱	۸/۲	۳۰/۱	۹/۱	۲۵/۸	۶/۸	۲۳/۰
۱۰/۷	۳۸/۸	۳/۵	۱۲/۵	۲/۵	۷/۱	۱/۵	۵/۰
۷/۶	۲۷/۳	۷/۳	۲۶/۰	۷/۵	۲۱/۳	۳/۹	۱۳/۲
۰/۲	۰/۸	"	۰/۱	۰/۱	۰/۴	۰	۰
۰/۴	۱/۴	"	۰/۱	"	۰/۱	۰	۰
۰/۷	۲/۶	۰/۸	۲/۸	۰/۶	۱/۷	۰/۱	۰/۵
۰/۱	۰/۳	۰/۴	۱/۳	-	-	۰/۲	۰/۶
۴/۰	۱۴/۳	۲/۸	۱۰/۰	۳/۴	۹/۶	۲/۶	۸/۹
۰/۳	۱/۱	۰/۹	۳/۱	۱/۲	۳/۴	۰	۰
۰/۱	۰/۲	۰/۴	۱/۴	۰/۵	۱/۵	۰/۱	۰/۳
	"		-		-		-
۱/۸	۶/۶	۲/۰	۷/۲	۱/۶	۲/۶	۰/۹	۲/۹
۱۰۰	۳۶۱/۱	۱۰۰	۳۵۶/۶	۱۰۰	۲۸۳/۷	۱۰۰	۳۳۹/۵



درصد متوسط رشد سالانه	۱۳۶۷		۱۳۶۶		۱۳۶۵		۱۳۶۴	
	سه‌م	ارزش	سه‌م	ارزش	سه‌م	ارزش	سه‌م	ارزش
۱۳/۹	۲۹/۸	۳۰۸/۸	۴۱/۵	۴۸۲/۱	۳۸/۹	۳۵۶/۰	۲۴/۷	۱۱۵/۱
۴/۹	۲۴/۶	۴۶۱/۵	۴۳/۸	۵۰۸/۶	۴۶/۴	۴۲۴/۷	۵۵/۱	۲۵۵/۹
-۴۲/۶	"	۰/۲	۰/۹	۱۰/۰	۱/۲	۱۱/۱	۱/۳	۱۰/۶
۱۲/۹	۲۴/۴	۲۵۲/۶	۲۳/۴	۲۷۱/۷	۲۹/۸	۲۷۲/۴	۲۴/۴	۱۱۳/۳
۷/۱	۷/۶	۷۸/۲	۸/۹	۱۰۳/۰	۶/۶	۶۰/۶	۱۳/۰	۶۰/۵
۲۰/۰	۴/۲	۴۳/۵	۲/۹	۳۳/۹	۱/۷	۱۵/۷	۴/۳	۱۹/۸
۹/۹	۲/۷	۲۸/۴	۱/۹	۲۲/۱	۱/۴	۱۲/۵	۲/۷	۱۲/۵
-۶/۷	۰/۲	۱/۷	۰/۱	۱/۷	۰/۲	۲/۱	۰/۴	۲/۱
۱/۳	۰/۸	۸/۶	۰/۷	۷/۸	۱/۰	۸/۷	۰/۲	۱/۱
۲/۲	۴/۷	۴۸/۱	۵/۰	۵۸/۴	۴/۵	۴۱/۶	۷/۸	۳۶/۰
۱۱/۷	۳/۲	۳۲/۸	۳/۳	۳۸/۳	۲/۷	۲۴/۹	۶/۴	۳۰/۰
۳/۶	۲۲/۴	۳۳۲/۷	۱۱/۴	۱۳۱/۸	۱۲/۰	۱۰۹/۹	۱۳/۸	۶۴/۰
-۲۶/۸	-	۰/۴	۰/۲	۲/۸	۰/۱	۰/۸	-	-
-۳/۱	۳/۱	۳۲/۶	۱/۵	۱۷/۴	۱/۲	۱۱/۰	۱/۰	۴/۵
-۲۵/۵	"	۰/۲	۰/۴	۴/۴	۰/۲	۱/۴	۰/۶	۳/۰
۰۰۰	-	-	-	-	۰/۱	۰/۹	۰/۲	۰/۸
-۱۰/۱	۰/۷	۱/۹	۰/۹	۹/۹	۱/۷	۱۵/۴	۱/۹	۸/۸
۲۰/۵	۰/۴	۴/۵	۰/۹	۱۰/۲	۰/۴	۳/۳	۰/۲	۰/۸
-۱۴/۹	۰/۲	۱/۹	۰/۲	۲/۲	۰/۳	۲/۴	۰/۱	۰/۳
۰۰۰	۱۳/۸	۱۴۳/۳	۳/۶	۴۱/۸		-		-
-۴/۴	۴/۲	۴۲/۹	۳/۷	۴۳/۱	۸/۲	۷۴/۷	۹/۸	۴۵/۸
۶/۷	۱۰۰	۱۰۳۵/۸	۱۰۰	۱۱۶۰/۸	۱۰۰	۹۱۵/۵	۱۰۰	۴۶۵/۰

مأخذ: بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف (تهران: بانک مرکزی، سالهای مختلف)، برای سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۵. ارقام سالهای ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ مستقیماً از بانک مرکزی دریافت شده است.

متشکل از کالاهای متنوعی است که به اجمال کالاهای کشاورزی و صنعتی را مورد تدقیق بیشتر قرار می‌دهیم.

طی دوره مورد بررسی عمده‌ترین کالاهای کشاورزی صادراتی: پنبه، میوه‌های تازه و خشک، انواع پوست و چرم، خاویار، روده، کتیرا و زیره می‌باشند که البته سهم هریک در صادرات کالاهای کشاورزی متفاوت و در عین حال، متحول شده است؛ بعبارت دیگر، در سال ۱۳۵۷، صادرات پنبه بیشترین سهم در صادرات کالاهای کشاورزی را داشته (۱۰۳ میلیون دلار از ۲۸۵ میلیون دلار) که بعد از آن نیز میوه‌های تازه و خشک قرار گرفته‌اند (۷۴/۹ میلیون دلار). صادرات پنبه در سالهای ۱۳۶۰-۱۳۶۳ صفر یا ناچیز بوده اما بعد از سال ۱۳۶۳، بیشترین میزان صادرات پنبه در سال ۱۳۶۵ (معادل ۱۱/۱ میلیون دلار) بوده است؛ به بیان دیگر، طی دوره ۱۳۵۷-۶۷ صادرات پنبه با رشد منفی سالانه ۴۲/۶ درصد مواجه بوده است. میوه‌های تازه و خشک، اقلام دیگری از کالاهای کشاورزی می‌باشند که در سال ۱۳۵۷، حدود ۷۵ میلیون دلار صادر شده‌اند (۱۳/۸ درصد از کل صادرات غیرنفتی) که این رقم در سال ۱۳۶۷ به ۲۵۲/۶ میلیون دلار بالغ گردیده است؛ یعنی، ضمن اینکه بیشترین سهم صادرات از کالاهای کشاورزی را بخود اختصاص داده، پس از

خاویار، بیشترین رشد سالانه را داشته است (حدود ۱۳٪). البته این اقلام نیز دارای نوساناتی بوده بطوری که در سال ۱۳۶۰ به کمترین میزان (۵۸/۴ میلیون دلار که معادل ۱۷/۲ درصد کل صادرات کالاهای غیرنفتی است) و در سال ۱۳۶۵ به بالاترین میزان خود (۲۷۲/۴ میلیون دلار که معادل ۲۹/۸ درصد کل صادرات کالاهای غیرنفتی است) رسیده است. البته میوه‌های تازه و خشک عمدتاً شامل پسته، مغز پسته، کشمش و مویز بوده که سهم غالب به پسته و مغز پسته اختصاص داشته است؛ بطوری که در سال ۱۳۶۳، از کل ۷۹/۸ میلیون دلار صادرات میوه‌های تازه و خشک، ۳۶/۷ میلیون دلار (۴۶ درصد) پسته و مغز پسته بوده که این رقم در سال ۱۳۶۷ به ۲۰۵/۵ میلیون دلار (۸۱ درصد از صادرات میوه‌های تازه و خشک) بالغ شده است.^۱ (به نظر می‌رسد رشد چشمگیر صادرات میوه‌های تازه و خشک، عمدتاً ناشی از صادرات پسته و مغز پسته بوده است). بعد از میوه صادرات انواع پوست و چرم، اهمیت بعدی را داشته، ضمن اینکه در سال ۱۳۵۷، ۷/۲ درصد از کل صادرات کالاهای غیرنفتی را تشکیل داده و توانسته است با رشد متوسط سالانه ۷/۱ درصد اهمیت خود را قدری بهبود بخشد (۷/۶ درصد از کل صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۶۷)، ضمن اینکه در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۶ به ترتیب با

(۱). براساس آخرین آمار بانک مرکزی.

بررسی صادرات کالاهای غیرنفتی، در قالب بخشهای سنتی، کشاورزی، معدن و صنعت، نشان می‌دهد که در طول دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۷، ضمن اینکه سهم صادرات کالاهای صنعتی کاهش یافته، کالاهای صنعتی با بیشترین نرخ رشد سالانه (۱۳/۹ درصد) مواجه بوده و بخش کشاورزی همچنان بیشترین سهم از صادرات کالاهای غیرنفتی را دارا بوده است. بررسی درجه تمرکز کالائی صادرات کالاهای غیرنفتی نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی، صادرات کالاهای غیرنفتی متنوع‌تر شده است.

از طرف دیگر، همانگونه که بیان شد، صادرات کالاهای کشاورزی بجز در سالهای ۱۳۵۹، ۱۳۶۰ و ۱۳۶۷، در سالهای دیگر از رشد مثبت برخوردار بوده است که می‌توان علت عمده نقصان سالهای ۱۳۵۹ و ۱۳۶۰ را شروع جنگ تحمیلی و مشکلات ناشی از آن، و نقصان ۱۳۶۷ را به علت تقلیل تولیدات کشاورزی در نتیجه خشکسالی (کاهش میزان بارندگی و پراکندگی ناموزون آن) از یک سو، و کمبود و گرانی نهاده‌ها و عوامل تولید از سوی دیگر دانست^۱. بنابراین آنچه مسلم است این است که تولید در صادرات کالاها دارای نقش اول می‌باشد.

در گروه صادرات کالاهای صنعتی، پودر لباسشویی و صابون، مواد شیمیائی غیرآلی، کفش، بیسکویت و انواع شیرینی، ملبوس آماده، تریکو و انواع پارچه، سیمان، سنگ، مصالح ساختمانی و موزائیک، وسایط نقلیه، شمش مس، ورق و مفتول آن

کمترین و بیشترین میزان صادرات انواع پوست و چرم مواجه بوده‌ایم (به ترتیب با ۳۴/۶ و ۱۰۳ میلیون دلار) بعد از پوست و چرم خاویار از اقلام مهم دیگر است که همانگونه که بیان شد بیشترین رشد سالانه را داشته (۲۰ درصد) ولی بدلیل ناچیز بودن سهم آن (۱/۳ درصد در سال ۱۳۵۷ و ۴/۲ درصد در سال ۱۳۶۷) در کل صادرات کالاهای غیرنفتی، نتوانسته است تأثیر شایانی بر گسترش صادرات کالاهای غیرنفتی داشته باشد. البته در بین اقلام کشاورزی، علاوه بر پنبه، کالاهای دیگری نیز با رشد منفی مواجه بوده‌اند که کتیرا از آن جمله است که میزان صادرات آن از ۳/۴ میلیون دلار در سال ۱۳۵۷ به ۱/۷ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ کاهش یافته است (رشد سالانه ۶/۷- درصد). بهرحال، بررسی ریز اقلام کشاورزی، نشان می‌دهد کالاهائی چون پنبه که تولید داخلی آن نقصان یافته، بلافاصله در صادرات انعکاس داشته است.

(۱) : سازمان برنامه و بودجه، گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۷ (تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹)،

از مهمترین اقلام صادراتی می‌باشند که در این بین، در سال ۱۳۵۷، مواد شیمیایی غیرآلی بیشترین میزان را داشته‌اند، یعنی، از ۱۶۳ میلیون دلار صادرات کالاهای صنعتی، ۴۴/۵ میلیون دلار به صادرات مواد شیمیایی غیرآلی اختصاص داشته، که این میزان در سال ۱۳۶۰ به کمترین میزان خود (صفر یا ناچیز) رسیده و پس از آن با رشد مثبت پیوسته، به ۳۲/۶ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ رسیده است بعبارت دیگر، در طول دوره ۱۳۵۷-۱۳۶۷، صادرات فوق با رشد متوسط ۳/۱- درصد در سال مواجه بوده و این در حالی است که کل صادرات صنعتی، در ۳/۶ درصد رشد سالانه مثبت داشته است. در سال ۱۳۵۷ و در مرحله دوم اهمیت، صادرات ملبوس آماده، تریکو و انواع پارچه (۱۲/۳ درصد از کل صادرات کالاهای صنعتی) بوده، که با رشد منفی ۱۰/۱ درصد در سال، سهم آن شدیداً کاهش یافته و طی دوره فوق صادرات این گونه کالاها از ۲۰/۱ میلیون دلار به ۶/۹ میلیون دلار رسیده است. مضافاً اینکه حداکثر میزان صادرات آن، هیچوقت بیش از سال ۱۳۵۷ نشده، ضمن اینکه در مقابل، کمترین میزان در سالهای ۱۳۶۰ (۸/۹ میلیون دلار) و ۱۳۶۴ (۸/۸ میلیون دلار) صادر شده است. از سوی دیگر، علی‌رغم وجود توانائی تولید در زمینه کفش و کیفیت عالی آن، این کالانه تنها توانسته سهم زیادی در صادرات کالاهای صنعتی داشته باشد، بلکه طی دوره مورد بررسی از کاهش ۲۵/۵ درصد در سال نیز برخوردار بوده است؛

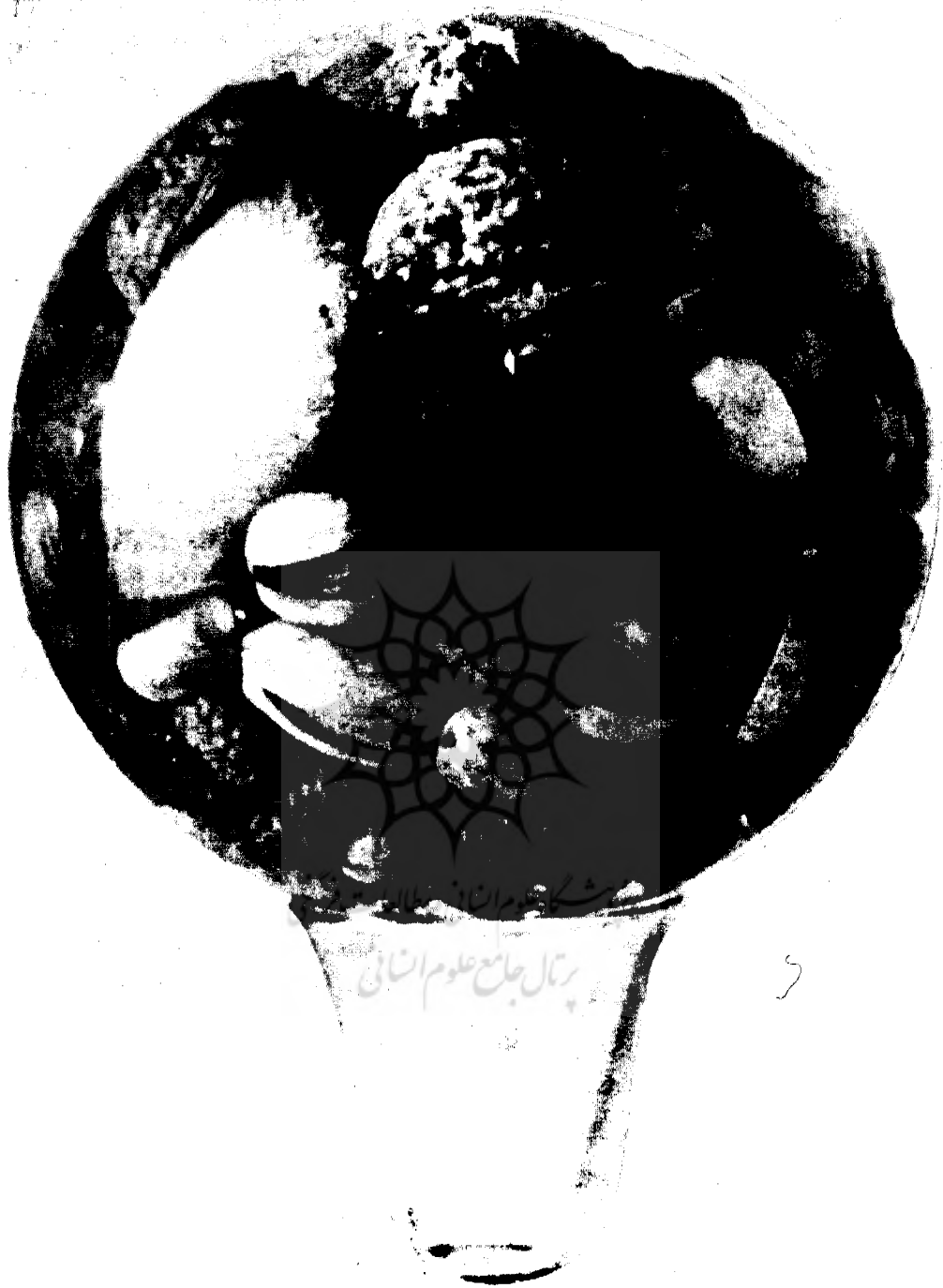
که این امر خود مستلزم بررسیهای لازم در این رابطه می‌باشد. در بین اقلام صنعتی که رشد مثبت داشته‌اند، «سیمان، سنگ، مصالح ساختمانی و موزائیک» و «شمش مس، ورق و مفتول آن» از مهمترین اقلام می‌باشند که دسته اول با رشد سالانه ۲۰/۵ درصد از ۰/۷ میلیون در ۱۳۵۷ به ۴/۵ میلیون در ۱۳۶۷ (همراه بوده و دسته دوم، از صفر (یا صادرات ناچیز آن) در سال ۱۳۵۷ به ۱۴۳/۳ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ افزایش یافته و توانسته‌اند ۶۲ درصد از صادرات کالاهای صنعتی (۱۳/۸ درصد از کل صادرات کالاهای غیرنفتی) را بخود اختصاص دهند. بهر صورت، ارقام فوق نشان می‌دهد که کالاهای صنعتی، اغلب با رشد منفی مواجه بوده‌اند، (این مساله، برخلاف چارچوب نظری «توسعه اقتصادی و تجارت خارجی» ابتدای مبحث می‌باشد). زیرا طی دوره ۱۳۵۷-۶۷ سهم صادرات کالاهای صنعتی نه تنها بیشتر نشده، بلکه کاهش نیز یافته است (از ۳۰ به ۲۲/۴ درصد). البته مساله جنگ تحمیلی را نایستی نادیده گرفت چرا که با شروع جنگ در سال ۱۳۵۹، صادرات این‌گونه کالاها در سال‌های ۵۹ و ۶۰ به حداقل خود رسیده که این روند، از یک سو، وابستگی بخش صنعت به خارج و عدم ارتباط لازم بین بخشهای داخلی اقتصاد کشور را نشان می‌دهد که با نقصان درآمدهای ارزی، تولیدات بخش صنعت و به تبع آن، صادرات کالاهای صنعتی با کاهش مواجه بوده است. از سوی

دیگر، نمی‌توان بطور قطع ادعا کرد که در صورت عدم وقوع جنگ تحمیلی، با فرض ادامه شرایط و روند گذشته، افزایش سهم صادرات کالاهای صنعتی تحقق می‌یافت؛ زیرا، در سالهای ۱۳۵۵ و ۱۳۵۶، سهم صادرات کالاهای صنعتی برخلاف کالاهای سنتی و کشاورزی تقلیل یافته است (از ۲۸/۳ درصد کل صادرات غیرنفتی به ۲۱/۷ درصد)^۱.

در مجموع، بررسی آمار صادرات کالاهای غیرنفتی وضعیت مناسبی را نشان نمی‌دهد؛ بعبارت دیگر، صادرات کالاهای صنعتی و کارخانه‌ای نه تنها نتوانسته رشد و سهم مطلوب را بدست آورد، بلکه سهم آن در کل صادرات غیرنفتی نیز کاهش یافته است، که ادامه چنین روندی، برخلاف روند فرایند توسعه اقتصادی می‌باشد، البته جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی ایران از سوی قدرتهای استعماری در این رابطه بی‌اثر نبوده بلکه با توجه به ساختار نامناسب و وابسته اقتصاد کشور (بویژه بخش صنعت) به خارج، اثرات پدیده‌های فوق بمراتب بیشتر شده است. اما با این شرایط، برخی کالاها، بویژه کالاهای کشاورزی و سنتی، توانسته‌اند افزایش چشم‌گیری داشته باشند، آنهم کالاهایی که زمینه تولید داخلی بیشتر برای آنها فراهم شده و توانسته‌اند پاسخگوی تقاضا باشند.

از طرف دیگر، صدور کالاهای غیرنفتی زمانی خواهد توانست رشد مطلوب خود را بدست آورد که تولیدات آن حداقل وابستگی به خارج را داشته و در عین حال از کیفیت بالایی برخوردار باشند، لذا حل مشکل تولید و گسترش بینه فنی - تولیدی متکی به منابع داخلی بیش از هر چیز دیگری ضروری است. علاوه بر این، اقدامات زیادی لازم است که وضع صادرات غیرنفتی (بویژه صادرات صنعتی) بهبود یابد که ممکن است هر دسته و یا هر طبقه از کالاها، مستلزم راه‌حل مناسب خود باشند؛ مثلاً، برخی از کالاها ممکن است مشکل تولید کمتری داشته باشند ولی به لحاظ ثبات قیمت ریال نسبت به ارز، و با توجه به بالا بودن تورم داخلی، زمینه رقابت در بازارهای جهانی فراهم نشود، لذا برای بهبود وضع صادرات این قبیل کالاها، کاهش ارزش ریال ممکن است لازم باشد؛ از طرف دیگر، این اقدام ممکن است برای خیلی از کالاها، بویژه آنهایی که مشکل تولید دارند، با تسدید تورم، نتیجه عکس داشته باشد. همچنین، برخی از کالاها (مانند खाویار) را که ضمن برخورداری از کیفیت مناسب، بازار خارجی مطلوبی دارند، می‌توان در بازارهای خارجی مستقیماً به مصرف‌کنندگان این قبیل کالاها فروخت. که بدین ترتیب ارزش بمراتب بیشتری قابل حصول است. البته توفیق در این امر،

(۱). بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال‌های ۵۶ و ۱۳۶۰ (تهران: بانک مرکزی، سالهای مختلف)، ص ۱۹۶ و ۲۴۰.



مستلزم انجام تحقیقات لازم در بازارهای مصرف و بسته‌بندی مناسب آن بازار از یک سو، و کمک و حمایت دولت - بویژه از بُعد سیاسی - از سوی دیگر، می‌باشد.

حال که وضعیت صادرات کالاهای غیرنفتی از بُعد داخلی و بین‌المللی در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی مشخص گردید و همچنین گروه کالاهای براساس بخشهای عمده مورد بحث واقع شد، آیا می‌توان ادعا نمود که صادرات غیرنفتی کشور طی این دوره، از تمرکز روی یک یا چند کالای خاص به سمت تنوع صادرات پیش‌رفته است یا خیر؟ که ذیلاً بدان می‌پردازیم.

تمرکز کالائی در صادرات غیرنفتی

مطالعات توسعه صنعتی و اقتصادی کشورها، نشان می‌دهد که در طول فرایند توسعه، ضمن اینکه سهم فرآورده‌های صنعتی در صادرات کشورها افزایش و سهم کالاهای اولیه و خام کاهش می‌یابد، تعداد اقلام صادرات نیز گسترش خواهد یافت که بدین ترتیب صادرات کشورها هم از تنوع بیشتری برخوردار خواهد شد. در این رابطه شاخصهای مختلفی ارائه شده، که شاخص «هیرشمن»^۱ بعنوان ابزار بررسی، انتخاب

شده است. براساس شاخص فوق، هر چقدر مقدار شاخص به یک نزدیکتر باشد صادرات از تنوع کمتری برخوردار خواهد بود و لذا صادرات عمدتاً در یک یا چند کالا متمرکز خواهد شد، برعکس، هر چقدر به صفر نزدیکتر باشد، مؤید تنوع بیشتر کالاهای صادراتی می‌باشد^۲:

$$C = \sqrt{\sum_i y_i}$$

که در آن، y_i درصد (برحسب ارزش) صادرات کالاهای گروه i در کل صادرات می‌باشد.

براساس ارقام جدول (۴)، که روند تمرکز کالائی صادرات غیرنفتی را طی سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۵ نشان می‌دهد، می‌توان دریافت که ابتدا درصد تمرکز کالاهای بالا بوده است، (این امر حاکی از عدم تنوع کافی در کالاهای صادرات غیرنفتی میباشد)، اما با گذشت زمان، از درجه تمرکز کاسته شده، بطوری که از ۸۳/۵ درصد در سال ۱۳۵۷ به ۵۷/۵ درصد در سال ۱۳۶۵ رسیده است. البته در طول دوره فوق از نوساناتی برخوردار بوده ولی در مجموع، روندی در جهت عدم تمرکز را نشان می‌دهد. حال که درجه تمرکز و تنوع صادرات را بررسی نمودیم، بررسی مقصد صادرات غیرنفتی کشور (یا کشورهای

1). Hirschman

2). P.N.Roy, International Trade Theory and Practice (New Delhi: Wiley

Eastern Limited, 1986), P.384.

جدول (۴): شاخص تمرکز کالائی صادرات غیرنفتی ایران: سالهای ۱۳۵۷-۱۳۶۵

سال	۱۳۵۷	۱۳۵۸	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴	۱۳۶۵
شاخص (درصد)	۸۱/۵	۵۳/۶	۶۱/۹	۵۸/۸	۵۶/۳	۵۷/۴	۵۵/۰	۵۵/۸	۵۷/۵

مأخذ: براساس آمار صادرات کالاهای غیرنفتی از: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری سالهای مختلف (تهران: مرکز آمار ایران سالهای مختلف)، جداول مقدار و ارزش صادرات کشور برحسب گروههای عمده طبقه‌بندی بین‌المللی (SITC) ^۱.

و نایز، اینگونه مبادلات در مقایسه با دیگر کشورها، جهت بهبود وضعیت اقتصادی آنها، را یک ضرورت می‌دانند.^۲ جدول (۵) و نمودار (۱) برای این منظور تدوین شده، که در آن کل کشورهای واردکننده کالاهای غیرنفتی ایران به سه دسته: کشورهای صنعتی سرمایه‌داری، کشورهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز و کشورهای در حال توسعه تقسیم شده‌اند. حال براساس نظریه فوق، آیا می‌توان برگسترش مبادلات جنوب- جنوب تأکید نمود؟ برای پاسخ به این سؤال بایستی شاخصهایی در نظر گرفته شود، شاخصهای مورد بحث، سهم، درصد رشد و دامنه نوسان رشد هر گروه را مورد توجه قرار داده است.

واردکننده) از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد؛ یعنی، هر گروه از کشورها چه سهمی از صادرات غیرنفتی ایران را بخود اختصاص می‌دهند و عمده‌ترین کشورهای واردکننده کدامند، که مبحث بعدی مبین این مسائل می‌باشد.

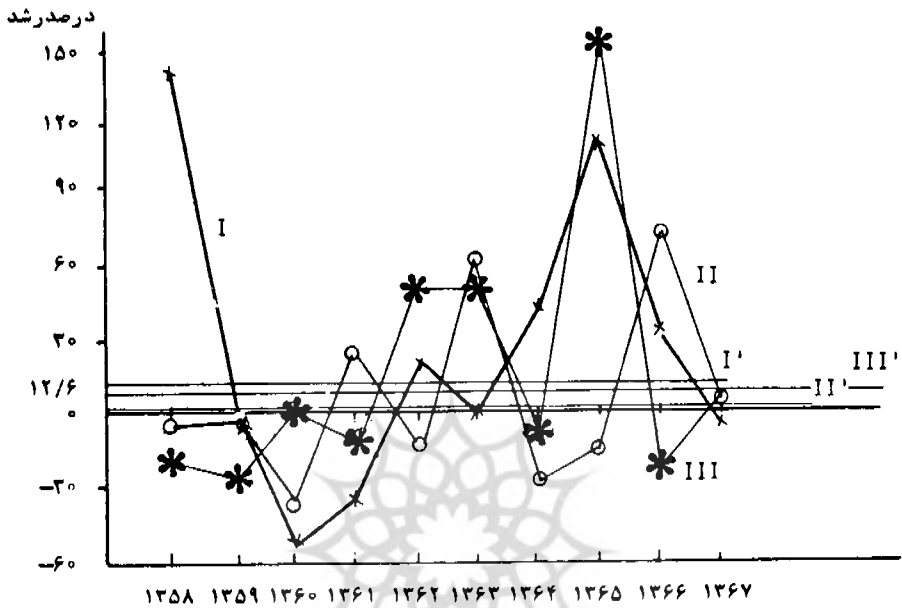
صادرات غیرنفتی براساس کشورهای مقصد

امروزه برخی از محققین و صاحب نظران مسائل کشورهای در حال توسعه، برای عقیده‌اند که در طول دهه‌های گذشته، مبادلات تجاری جنوب- جنوب (کشورهای در حال توسعه با یکدیگر) افزایش یافته و

1). SITC: Standard International Trade Classification.

(۲). ر.ک: «نقش تجارت خارجی در توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم»، تازه‌های اقتصاد، شماره نهم (اردیبهشت ۱۳۶۹)، ص ۳۶. و نیز، همکارهای مالی جنوب- جنوب»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۷ (فروردین ۶۸)، ص ۶۳.

نمودار (۲): روند رشد صادرات کالاهای غیرنفتی به گروه کشورهای مقصد



توضیح:

x روند رشد صادرات کالاهای غیرنفتی به کشورهای صنعتی سرمایه داری

o روند رشد صادرات کالاهای غیرنفتی به کشورهای دارای برنامه ریزی متمرکز

* روند رشد صادرات کالاهای غیرنفتی به کشورهای در حال توسعه

مأخذ: براساس ارقام جدول (۵)

با توجه به ارقام جدول (۵)، در ابتدای دوره مورد بررسی، سهم کشورهای صنعتی سرمایه‌داری ۳۷/۲ درصد از کل صادرات غیرنفتی بوده که بیشترین سهم را داشته‌اند. در مقابل کشورهای در حال توسعه از کمترین سهم (۱۴/۹ درصد) برخوردار بوده و سهم کشورهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز نیز ۱۹/۲ درصد گردیده است. این ارقام در طول دوره ۱۳۵۷-۶۷، متحول شده بطوری که در سال ۱۳۶۷ سهم کشورهای صنعتی سرمایه‌داری به ۶۴/۲ درصد و سهم کشورهای در حال توسعه به ۱۹/۷ درصد افزایش یافته است. در مقابل، سهم کشورهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز، به ۱۱/۵ درصد تنزل کرده است. ولی همچنان کشورهای صنعتی سرمایه‌داری بیشترین سهم از صادرات غیرنفتی کشور را دارا می‌باشند. البته در طی دوره فوق، سهم هر گروه از کشورها با اُفت و خیزهایی همراه بوده که بالاترین آن مربوط به کشورهای صنعتی سرمایه‌داری با ۷۴/۶ درصد در سال ۱۳۵۹ و کشورهای در حال توسعه با ۲۷/۲ درصد در سال ۱۳۶۵ و همچنین کشورهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز، با ۲۸/۵ درصد در سال ۱۳۶۳ بوده است. از طرف دیگر، مقایسه نرخ متوسط رشد سالانه صادرات به این کشورها نشان می‌دهد که این رقم برای کشورهای صنعتی سرمایه‌داری ۱۲/۶ درصد، کشورهای در حال توسعه ۹/۷ درصد و برای کشورهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز ۱/۴ درصد در سال بوده است. بنابراین

براساس دو شاخص فوق، کشورهای صنعتی سرمایه‌داری و کشورهای در حال توسعه بهتر توانسته‌اند در رشد و توسعه صادرات غیرنفتی مؤثر باشند، (البته نقش کشورهای صنعتی سرمایه‌داری مهمتر جلوه می‌کند). اگر شاخص دامنه نوسان رشد صادرات به این گروه از کشورها مدنظر قرار گیرد - که شاخص مطمئن‌تری برای قضاوت نیز به نظر می‌رسد زیرا هر چه نوسان کمتر باشد امکان برنامه‌ریزی جهت بهبود و توسعه صادرات بیشتر بوده و بطور کلی بازارهای با ثبات‌تری برای صادرات غیرنفتی کشور می‌باشند - بهر حال (با ملاحظه نمودار ۲) دامنه نوسان رشد صادرات در کشورهای صنعتی سرمایه‌داری از دیگر کشورها بیشتر به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، کشورهای در حال توسعه دارای کمترین میزان نوسان می‌باشند (صرفنظر از سال ۱۳۶۵) ضمن اینکه بُعد جغرافیایی بازارهای صادرات غیرنفتی کشور در گروه کشورهای در حال توسعه بیشتر شده است که این نیز بعنوان یک پارامتر مثبت قابل توجه و بررسی است. اما نکته‌ای که بایستی بدان توجه شود این است که رشد صادرات به هر گروه از کشورها، فقط در نتیجه رشد صادرات زیاد برخی از کشورها بوده است؛ برای نمونه، در گروه کشورهای صنعتی سرمایه‌داری، کشورهای سوئیس، انگلستان، اتریش، ایتالیا و آلمان غربی، بیشترین رشد سالانه را داشته‌اند (به ترتیب، ۲۵/۴، ۲۱/۹، ۲۱/۷، ۱۵/۸ و ۱۴/۴ درصد) ولی در این بین آلمان غربی از

جدول (۵): صادرات کالاهاى غيرنفتى طى سالهاى ۱۳۵۷-۱۳۶۷ - براساس کشورهاى مقصد

واحد: ميليون دلار

۱۳۶۰		۱۳۵۹		۱۳۵۸		۱۳۵۷		سال	کشور
درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش		
۶۲/۹	۲۱۳/۵	۷۴/۶	۴۸۱/۱	۶۰/۴	۲۹۱/۷	۳۷/۲	۲۰۲/۷	I - کشورهای صنعتى سرمایه‌دارى	
۳۱/۹	۱۰۸/۲	۴۵/۳	۲۹۱/۹	۳۴/۷	۲۸۱/۷	۱۳/۹	۷۵/۴	۱ - آلمان غربى	
۱۳/۶	۴۶/۳	۸/۱	۵۲/۵	۶/۹	۵۶/۴	۴/۵	۲۴/۷	۲ - ایتالیا	
۷/۷	۲۶/۳	۸/۶	۵۵/۶	۵/۵	۴۵/۱	۱/۵	۸/۱	۳ - سوئیس	
۲/۷	۹/۲	۳/۵	۲۲/۶	۲/۹	۲۳/۶	۲/۵	۱۳/۷	۴ - انگلستان	
۲/۴	۸/۰	۳/۱	۲۰/۱	۳/۵	۲۸/۱	۳/۲	۱۷/۶	۵ - فرانسه	
۱/۳	۴/۴	۱/۶	۱۰/۴	۰/۹	۷/۳	۰/۳	۱/۷	۶ - اتریش	
۱/۰	۳/۳	۱/۳	۸/۴	۱/۷	۱۴/۰	۰/۶	۳/۴	۷ - بلژیک	
۰/۸	۲/۶	۰/۹	۶/۰	۱/۰	۸/۵	۰/۹	۵/۱	۸ - هلند	
۰/۶	۲/۲	۰/۵	۳/۲	۰/۷	۵/۷	۰/۳	۱/۴	۹ - کانادا	
۰/۴	۱/۲	۰/۷	۴/۲	۱/۷	۱۴/۲	۹/۲	۴۹/۹	۱۰ - ژاپن	
۰/۳	۱/۰	۰/۵	۳/۱	۰/۶	۴/۷	۰/۲	۱/۰	۱۱ - دانمارک	
۰/۲	۰/۸	۰/۵	۳/۱	۰/۳	۲/۴	۰/۱	۰/۷	۱۲ - استرالیا	
-	-	-	-	-	-	-	-	۱۳ - اسپانیا	
۱۷/۱	۵۸	۱۴/۸	۹۴/۸	۱۲/۲	۹۸/۳	۱۹/۲	۱۰۴/۷	II - کشورهایى داراى سرمایه‌ریزى متمرکز	
۱۱/۷	۳۹/۸	۱۲/۴	۸۰/۲	۸/۹	۷۲/۵	۱۳/۳	۷۲/۲	۱ - شوروى	
۲/۶	۸/۹	۰/۶	۳/۵	۰/۵	۳/۸	۰/۴	۲/۴	۲ - آلمان شرقى	
۲/۴	۸/۱	۱/۲	۷/۶	۱/۳	۱۰/۲	۱/۷	۹/۴	۳ - چکسلواکی	
۰/۴	۱/۲	۰/۶	۳/۵	۱/۵	۱۱/۸	۳/۸	۲۰/۷	۴ - مجارستان	
-	-	-	-	-	-	-	-	۵ - رومانى	
-	-	-	-	-	-	-	-	۶ - بلغارستان	



۱۳۶۴		۱۳۶۳		۱۳۶۲		۱۳۶۱	
درصد سهام	ارزش	درصد سهام	ارزش	درصد سهام	ارزش	درصد سهام	ارزش
۵۲	۲۴۲/۶	۴۶/۴	۱۶۷/۱	۴۷	۱۶۷/۶	۴۸/۱	۱۳۶/۸
۲۴/۴	۱۱۳/۶	۱۷/۸	۶۴/۲	۲۰/۶	۷۳/۴	۱۸/۸	۵۳/۳
۱۱/۶	۵۴/۱	۱۰/۷	۳۸/۶	۹/۳	۳۳/۰	۱۲/۵	۳۵/۶
۷/۳	۳۴/۱	۶/۷	۲۴/۱	۳/۷	۱۳/۲	۳/۵	۹/۸
۳/۳	۱۵/۳	۴/۹	۱۷/۷	۴/۶	۱۶/۳	۳/۰	۸/۶
۰/۹	۴/۳	۱/۰	۳/۵	۲/۲	۷/۹	۳/۵	۹/۹
۱/۷	۸/۰	۱/۲	۴/۳	۱/۰	۳/۷	۰/۷	۲/۰
۰/۵	۱/۴	۰/۸	۲/۸	۰/۶	۲/۳	۱/۴	۴/۱
۰/۹	۴/۰	۱/۰	۳/۵	۱/۱	۳/۸	۱/۵	۴/۳
۰/۳	۱/۶	۰/۴	۱/۳	۰/۳	۰/۹	۰/۴	۱/۲
۰/۸	۳/۹	۱/۴	۵/۲	۲/۳	۸/۴	۲/۵	۷/۰
۰/۲	۱/۰	۰/۲	۰/۸	۰/۳	۱/۰	۰/۳	۰/۷
-	-	-	-	-	-	-	- ۰/۲
۰/۱	۰/۳	۰/۳	۱/۱	۱	۳/۷	"	۰/۳
۱۵/۷	۷۱/۲	۲۸/۵	۱۰۳/۱	۱۷/۹	۶۴	۲۶/۱	۷۴
۶/۵	۳۰/۳	۱۲/۰	۴۳/۲	۱۱/۳	۴۰/۰	۱۹/۶	۵۵/۵
۲/۹	۱۳/۶	۲/۷	۹/۹	۱/۶	۵/۸	۱/۵	۴/۴
۰/۱	۰/۳	۶/۷	۲۴/۴	۱/۴	۵/۱	۲/۸	۷/۹
۳/۶	۱۶/۶	۴/۶	۱۶/۵	۳/۰	۱۰/۷	۰/۵	۱/۴
۱/۱	۵/۰		-		-	۱/۷	۴/۸
۱/۵	۶/۹	۲/۵	۹/۱	۰/۶	۲/۲	-	-



درصد موطن رتبه	۱۳۶۷		۱۳۶۶		۱۳۶۵	
	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش
۱۲/۶	۶۴/۲	۶۶۴/۷	۶۰/۴	۷۰۰/۱	۵۶/۱	۵۱۴/۵
۱۴/۴	۲۷/۹	۲۸۹/۳	۳۰/۷	۳۵۵/۹	۳۰/۹	۲۸۳/۱
۱۵/۸	۱۰/۳	۱۰۶/۹	۱۰/۰	۱۱۶/۰	۷/۵	۶۸/۸
۱۵/۴	۷/۵	۷۷/۸	۸/۱	۹۴/۱	۶/۱	۵۵/۴
۲۱/۹	۹/۶	۹۹/۳	۲/۲	۲۵/۱	۲/۲	۲۰/۳
۰/۹	۱/۸	۱۹/۲	۲/۵	۲۹/۲	۱/۹	۱۶/۹
۲۱/۷	۱/۲	۱۲/۱	۱/۶	۱۸/۲	۱/۶	۱۵/۱
۷/۸	۰/۷	۷/۲	۱/۰	۱۱/۶	۱/۰	۹/۴
۰۰۰					۲/۲	۲۰/۲
۱۹/۰	۰/۸	۸/۰	۰/۷	۸/۱	۰/۵	۴/۵
-۳/۰	۳/۶	۳۶/۹	۲/۷	۳۱/۹	۱/۴	۱۲/۹
۱۴/۶	۰/۴	۳/۹	۰/۵	۵/۷	۰/۵	۴/۷
۰۰۰	-	-	-	-	-	-
۰۰۰	۰/۴	۴/۱	۰/۴	۴/۳	۰/۳	۳/۲
۱/۴	۱۱/۵	۱۲۰/۳	۹/۶	۱۱۲/۳	۷/۱	۶۳/۷
-۱/۳	۶/۱	۶۳/۷	۷/۸	۹۰/۹	۲/۴	۲۲/۰
۲۹/۷	۳/۱	۳۲/۴	۰/۹	۱۰/۱	۲/۰	۱۸/۱
۶/۷	۱/۷	۱۷/۹	۰/۹	۱۰/۸	۰/۷	۶/۲
۰۰۰					۰/۷	۶/۳
۰۰۰	۰/۶	۶/۳	-	۰/۵	۰/۶	۵/۱
۰۰۰					۰/۷	۶/۰

△

کشور	سال		۱۳۵۷		۱۳۵۸		۱۳۵۹		۱۳۶۰	
	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد	ارزش	درصد
III - کشورهای در حال توسعه	۸۰/۹	۱۴/۹	۶۸/۹	۸/۴	۵۱	۷/۸	۵۱	۷/۸	۵۱	۱۵
۱ کویب	۲۸/۸	۵/۳	۱۴/۱	۱/۷	۷/۴	۱/۲	۱۱/۸	۳/۵	۳/۵	
۲ عربستان سعودی	۱۹/۳	۳/۵	۱۷/۰	۲/۱	۲۳/۳	۳/۶	۲۲/۴	۶/۶	۶/۶	
۳ لبنان	۳/۶	۰/۷	۵/۲	۰/۶	۹/۷	۱/۵	۵/۹	۱/۷	۱/۷	
۴ امارات عربی	۷/۵	۱/۴	۱۹/۳	۲/۴	۲/۳	۰/۷	۴/۱	۱/۲	۱/۲	
۵ سوریه	۶/۸	۱/۳	۲/۰	۰/۳	۱/۸	۰/۳	۲/۷	۰/۸	۰/۸	
۶ پاکستان	۳/۰	۰/۵	۲/۸	۰/۳	۰/۹	۰	۱/۱	۰/۳	۰/۳	
۷ هندوستان	۳/۷	۰/۷	۳/۰	۰/۴	۲/۲	۰/۳	۱/۰	۰/۳	۰/۳	
۸ ترکیه	۰/۵	۰/۱	۰/۳	"	۰/۱	۰	۱/۰	۰/۳	۰/۳	
۹ بحرین	۷/۷	۱/۴	۵/۲	۰/۶	۱/۳	۰/۲	۱/۰	۰/۳	۰/۳	
۱۰ سودان	-									
۱۱ تونس	-									
۱۲ تانزانیا	-									
۱۳ سنگلادش	-									
۱۴ سنگاپور	-									
۱۵ برزیل	-									
۱۶ اندونزی	-									
۱۷ سایر	۱۵۴/۵	۲۸/۵	۱۵۱/۹	۱۸/۸	۱۸/۳	۲/۸	۱۷/۰	۵/۰	۵/۰	
۷ جمع کل	۵۲۲/۸	۱۰۰	۸۱۱/۸	۱۰۰	۶۴۵/۲	۱۰۰	۳۳۹/۵	۱۰۰	۱۰۰	

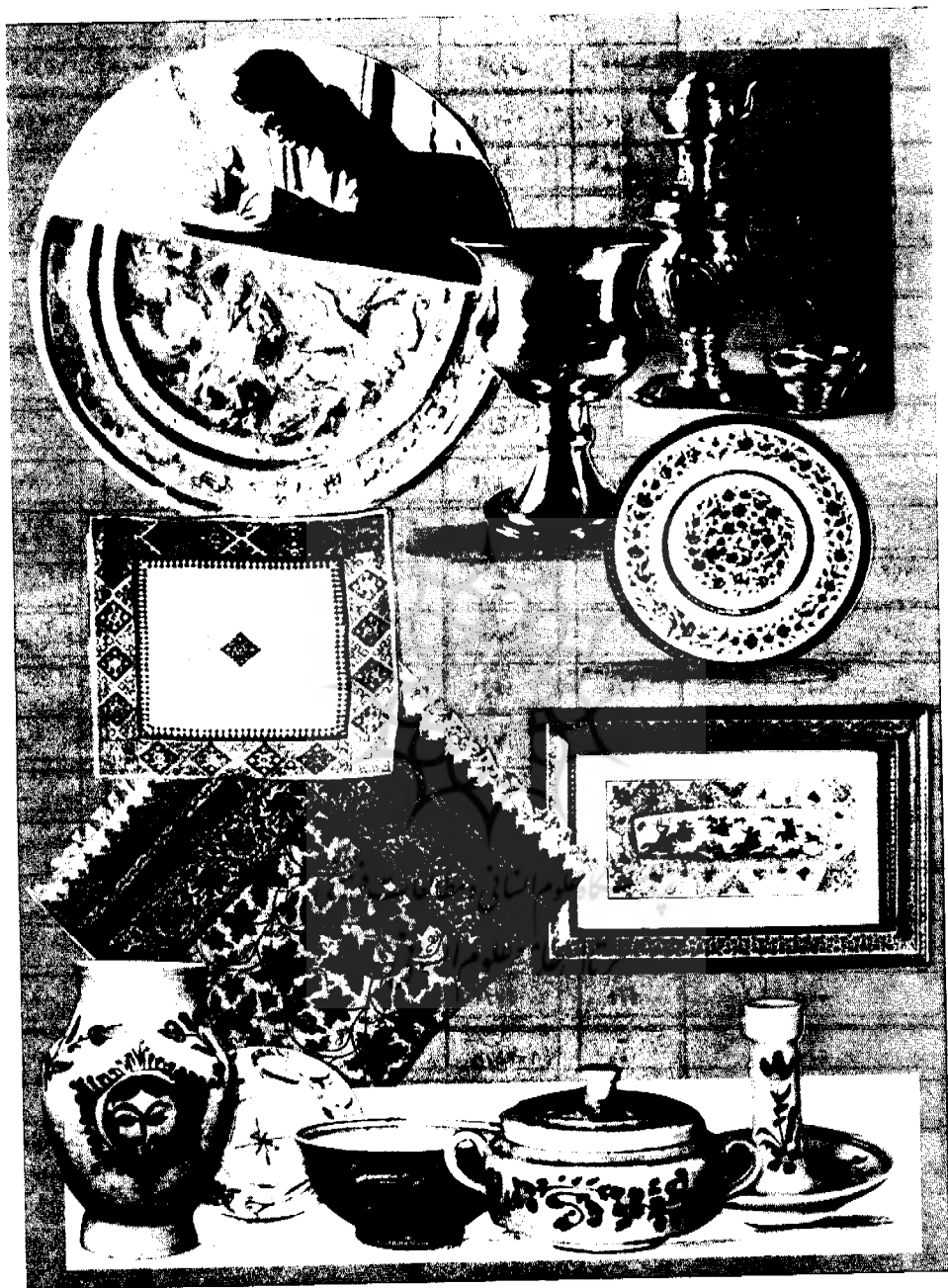


۱۳۶۴		۱۳۶۳		۱۳۶۲		۱۳۶۱	
درصد هم	ارزش	درصد هم	ارزش	درصد هم	ارزش	درصد هم	ارزش
۲۱/۳	۹۸/۶	۱۳/۸	۱۰۳/۷	۱۹/۲	۶۸/۳	۱۵/۸	۴۴/۹
۱/۱	۵/۰	۱/۵	۵/۶	۲/۶	۹/۴	۵/۳	۱۵/۲
۰/۸	۳/۷	۱/۲	۴/۲	۱/۳	۴/۵	۳/۲	۹/۰
	-		-		-		
۱۴	۶۵/۲	۹/۱	۳۳/۰	۱۴/۱	۵۰/۲	۶/۴	۱۸/۱
	-		-				-
۲/۱	۹/۵	۰/۲	۰/۷	۰/۳	۱/۰	۰/۳	۰/۹
۰/۹	۴/۲	۰/۲	۰/۸	۰/۳	۱/۲	۰/۵	۱/۴
۲/۴	۱۱/۰	۱/۶	۵/۸	۰/۶	۲/۰	۰/۱	۰/۳
	-		-		-		
	-		-		-		-
	-		-		-		
	-		-		-		
	-		-		-		
	-		-		-		
	-		-		-		
	-		-		-		
	-		-		-		
۱۱/۰	۵۱/۱	۱۱/۳	۴۰/۸	۱۵/۹	۵۶/۷	۹/۹	۲۸/۰
۱۰۰	۴۶۵/۰	۱۰۰	۳۶۱/۱	۱۰۰	۳۵۶/۶	۱۰۰	۲۸۲/۷

△

درصد متوسط رشد ارزش	۱۳۶۷		۱۳۶۶		۱۳۶۵	
	درصد سهم	ارزش	درصد سهم	ارزش	درصد سهم	ارزش
۹/۷	۱۹/۷	۲۰۳/۴	۱۶	۱۸۵/۷	۲۷/۲	۲۴۹/۱
-۱۶/۸	۰/۴	۴/۶	۰/۱	۱/۹	۰/۶	۵/۴
۰۰۰				-	۰/۶	۵/۱
۰۰۰		-		-		-
۳۴/۵	۱۴/۱	۱۴۵/۸	۱۳/۴	۱۵۵/۱	۱۷/۸	۱۶۳/۳
۰۰۰		-		-		-
۰۰۰		-		-	۵/۱	۴۶/۶
۳/۷	۰/۵	۵/۳	۰/۶	۷/۰	۱/۳	۱۲/۱
۰۰۰		-		-	۰/۷	۶/۲
۰۰۰		-		-	۱/۱	۱۰/۴
۰۰۰		-		-		-
۰۰۰	۱/۶	۱۶/۱	۰/۵	۵/۸		-
۰۰۰	۰/۸	۷/۹	۰/۴	۴/۹		-
۰۰۰	۰/۷	۷/۶	۰/۴	۴/۳		-
۰۰۰	۰/۶	۶/۱	۰/۳	۳/۹		-
۰۰۰	۰/۶	۶/۱	۰/۲	۲/۰		-
۰۰۰	۰/۴	۳/۹	۰/۱	۰/۸		-
۰۰۰	۴/۶	۲۷/۴	۱۴/۰	۱۶۲/۷	۹/۶	۸۸/۲
۶/۷	۱۰۰	۱۰۳۵/۸	۱۰۰	۱۱۶۰/۸	۱۰۰	۹۱۵/۵

مأخذ: براساس ارقام صادرات غیرنفتی از: بانک مرکزی، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف (تهران: بانک مرکزی، سالهای مختلف).



تجاری با کشورهای در حال توسعه و توسعه بازارها در این مناطق (بویژه کشور همسایه) بیشتر باشد.

خلاصه و نتیجه

با توجه به بررسی ارقام صادرات کالاهای غیرنفتی کشور، طی ساله ۱۳۵۷-۱۳۶۷، دریافتیم که ترکیب صادرات کالاهای غیرنفتی ایران را غیرتوسعه‌ای داشته بطوری که، طی دوره فوزه سهم صادرات کالاهای غیرنفتی در توناخالص داخلی کاهش یافته است. این شرایطی است که سهم تجارت جهانی، اقتصاد جهانی در حال گسترش بوده اسد با این وجود، مطالعه سهم تولید ناخاله داخلی کالائی بدون نفت - که صادرا غیرنفتی از این بخش از تولید ناخالص داخه تأمین می‌گردد - نسبت به تولید ناخاله داخلی - با توجه به اینکه قدری افزای یافته - نشان می‌دهد که سهم غالب (۱۰ درصد) تولید ناخالص داخلی در صادرا کالاهای غیرنفتی سهم نداشته، که این - می‌تواند بعنوان امکانات بالقوه در خصوص توسعه صادرات غیرنفتی (بویژه، صا خدمات و مصنوعات نفتی) تلقی گردد. اا حصول این امر، وقتی ممکن خواهد بود در این رابطه تلاشهای زیادی در قال برنامه‌های دقیق و حساب شده، صور پذیرد.

بیشترین سهم برخوردار بوده بطوری که در سال ۱۳۵۹، بیش از ۴۵ درصد کل صادرات کالاهای غیرنفتی به این کشور صادر شده و در سال ۱۳۶۷ این رقم به ۲۷/۹ درصد کاهش یافته است. پس از آلمان غربی، کشور ایتالیا دارای بیشترین سهم بوده که حداکثر به ۱۳/۶ درصد در سال ۱۳۶۰ رسیده است.

در بین کشورهای دارای برنامه‌ریزی متمرکز، شوروی بیشترین سهم را داشته که تا پایان دوره (۱۳۶۷) توانسته نقش خود را حفظ کند ولی با رشد سالانه منفی مواجه بوده است در مقابل، آلمان شرقی دارای بیشترین نرخ رشد سالانه (۲۹/۷ درصد) بوده ولی بدلیل قلت سهم آن، نتوانسته است تأثیر شایانی بر کل صادرات غیرنفتی داشته باشد. بالاخره در بین کشورهای در حال توسعه، در سال ۱۳۵۷، کویت و عربستان سعودی به ترتیب بیشترین سهم را داشته‌اند (به ترتیب ۵/۳ و ۳/۵) که در سال ۱۳۶۷، امارات عربی و تونس جای آندورا گرفته‌اند، بگونه‌ای که امارات عربی، پس از آلمان غربی در سال ۶۷ بیشترین سهم را داشته و در کل دوره مورد بررسی از بالاترین نرخ رشد سالانه (۳۴/۵ درصد) برخوردار بوده است. بنابراین، بررسی تک‌تک کشورها، نشان می‌دهد، که در هر گروه از کشورها، بازارهای متناسب و گسترده‌ای برای صادرات کالاهای غیرنفتی وجود دارد که بایستی ضمن حفظ سهم بازار در این کشورها، حتی الامکان آنرا گسترش داد، ولی به نظر می‌رسد امکان گسترش مبادلات

همچنین با مطالعه سهم صادرات ایران در صادرات جهانی، مشخص گردید که نقش ایران در صحنه صادرات جهانی و حتی در صادرات کشورهای در حال توسعه، کمتر شده است. این مساله در شرایطی صورت گرفته، که با وجود جنگ تحمیلی، تلاشهای زیادی در جهت صدور کالاهای غیرنفتی انجام شده است. بنابراین، با توجه به پذیرش قطعنامه ۵۹۸، حصول به اهداف توسعه صادرات، تلاشهای بمراتب بیشتری را می طلبد، در غیر این صورت نقش و سهم کشور در بازار جهانی بیش از پیش ضعیف خواهد شد.

از طرف دیگر، ملاحظه گردید که بخشهای عمده تأمین کننده صدور کالاهای غیرنفتی، بخشهای کشاورزی، سنتی، معدن و صنعت می باشند که بخش کشاورزی همچنان بیشترین سهم را در صادرات کالاهای غیرنفتی داشته، در حالی که صادرات کالاهای سنتی از بیشترین رشد سالانه برخوردار بوده اند. اما صادرات کالاهای صنعتی نتوانسته پاپای صادرات کالاهای غیرنفتی رشد یابد، این پدیده برخلاف تحول بخشهای اقتصادی در طول فرایند توسعه اقتصادی می باشد. البته تحول مثبتی نیز واقع شده و آن تنوع بیشتر در کالاهای صادراتی می باشد. بهر حال، ادامه روند فوق با توجه به این مساله که روند رابطه

مبادله به ضرر محصولات کشاورزی و خام در حال تغییر است، اهداف توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی را بعید می نماید. بنابراین پرداختن به صادرات فرآورده های صنعتی، — آنها با ارزش افزوده بیشتر — که قدرت ارزآوری بالایی داشته باشد، لازم است.

بالاخره، با بررسی روند صادرات کالاهای غیرنفتی به کشورهای مختلف، روشن شد که کشورهای صنعتی سرمایه داری نه تنها بیشترین سهم را دارا می باشند، بلکه طی دوره مورد بررسی سهم این گروه از کشورها افزایش نیز یافته است. از طرف دیگر، سهم کشورهای در حال توسعه نیز افزایش، ولی سهم کشورهای دارای برنامه ریزی متمرکز کاهش یافته است. چنانچه دامنه نوسان رشد صادرات به این کشورها، بعنوان معیار ثبات بازارهای صادراتی تلقی شود، کشورهای در حال توسعه با ثبات ترین بازارهای صادراتی کالاهای ایران بوده اند. بنابراین، با کوشش در جهت حفظ و در صورت امکان گسترش سهم بازار در کشورهای توسعه یافته، به نظر می رسد بیشترین تلاش در جهت توسعه صادرات به کشورهای در حال توسعه و گسترش بازارهای صادراتی در این کشورها، اهداف توسعه صادرات غیرنفتی برنامه پنجساله ۱۹۶۸ — ۷۲ را زودتر محقق سازد.

منابع و ماخذ:

۱- منابع فارسی:

الف: کتاب

- بالاسا، بلا. استراتژیهای توسعه صنعتی در کشورهای نیمه صنعتی، ترجمه محمدعلی حقی، تهران: وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۸.
- بانک مرکزی. گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف. تهران: بانک مرکزی، سالهای مختلف.
- تودارو، مایکل. توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی و حمید سهرابی. تهران: وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۶. جلد ۲.
- وزارت برنامه و بودجه: پیوست قانون برنامه اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. ۷۲-۱۳۶۸. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۹.
- گمرک جمهوری اسلامی ایران. سالنامه آماری بازرگانی خارجی سالهای مختلف. تهران: گمرک، سالهای مختلف.
- مرکز آمار ایران. سالنامه آماری سالهای مختلف. تهران: مرکز آمار، سالهای مختلف.
- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی نظری اجمالی و تحلیلی مقدماتی بر بازرگانی خارجی ایران. تهران: م.م.پ.ب، ۱۳۶۸.
- وزارت برنامه بودجه. جداول داده - ستانده اقتصادی ۱۳۶۳. تهران: وزارت برنامه بودجه. ۱۳۶۸.
- وزارت برنامه و بودجه. گزارش اقتصادی سالهای مختلف. تهران: وزارت برنامه و بودجه، سالهای مختلف.
- یونیدو. صنعت در جهان متغیر، ترجمه غلامرضا نصیرزاده. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ب: نشریات و مجلات ادواری:
- اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره های مختلف.
- تازه های اقتصاد، شماره نهم، اردیبهشت ۱۳۶۹.
- سازمان برنامه و بودجه، گزیده مسائل اجتماعی و اقتصادی، شماره ۱۰۴، شهریور ۱۳۶۹.
- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۱۲، اردیبهشت ۱۳۶۷.
- هفته نامه اتاق بازرگانی صنایع و معادن، شماره ۳، خرداد ۱۳۶۹.

۲- منابع غیرفارسی:

- I.M.F *Yearbook of International Financial Statistics*, Washington: International Monetary Fund, Issues.
- Roy, P.N. *International Trade, Theory and Practice*. New Delhi, Wiley Estern Limited, 1986.
- U.N. *UNCTAD Commodity Yearbook 1989*, New York: United Nations, 1989.